

## Place of Expiation in Islamic Jurisprudence and Feasibility of Penalizing in Iran Law

*Jamal Beigi\**

Associate Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Maragheh  
Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

(Received: December 8, 2019; Accepted: May 3, 2020)

### Abstract

Legislation of expiation with current special specifications and conditions has been accomplished only in Islamic law and the necessity of expiation in some sins and crimes based on jurisprudential teachings confirms that it is a punishment and also the interpretations used in the Quran, the Sunnah, and the words of Islamic jurists indicate that it is a punishment. Although, because of some specific conditions such as intention of Proximity to Allah it is also considered a kind of servitude. The outstanding specification of expiation is its lack of external executive guaranty, therefore it is considered a crime by itself. Expiation has different kinds and causes. According to law, some of the causes of expiation are regarded as crime and they have official guaranty. Some others, in spite of being sin, are devoid of external executive guaranty and some others include unintentional deeds or missed prayers which are not considered sin. The goals of canonization of expiation are mostly aimed at correcting and rehabilitating the criminal. Of course, some of the social objectives of canonization of expiation in Islamic criminal policy ultimately lead to a reduction of crime in the society. Therefore, this divine duty must be popularized through implementing educational and cultural programs. By specifying the place of expiation and its functions in Islamic jurisprudence, this article attempts to examine the feasibility of penalizing expiation as a manifestation of legal penalties in the penal system of Iran and to suggest this entity as a complementary punishment to the original ones.

**Keywords:** Crimes subject to atonement, Islamic jurisprudence, atonement, sins subject to atonement, Iranian penal system

---

\* Corresponding Author, Email: [jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir](mailto:jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir)

پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۷، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰  
صفحات ۷۷۰-۷۲۵ (مقاله پژوهشی)

## جایگاه کفاره در فقه اسلامی و امکان سنجی

### کیفرانگاری آن در حقوق ایران

جمال بیگی \*

دانشیار، گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران  
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۴)

#### چکیده

تشریح نهاد کفاره با خصوصیات و شرایط خاص فعلی تنها در حقوق اسلام صورت گرفته و وجوب کفاره در برخی گناهان و جرائم بر پایه آموزه‌های فقهی مؤید جزا بودن آن است و تعابیر به‌کاررفته در قرآن، سنت و کلام فقه‌های اسلامی هم بر مجازات بودن آن دلالت دارد. هرچند به‌دلیل وجوب برخی شرایط خاص مانند قصد قربت، نوعی عبادت هم به‌شمار می‌رود. خصوصیت بارز کفاره، فقدان ضمانت اجرایی بیرونی در آن است و از این‌رو نوعی خود کیفری محسوب می‌شود. کفاره اقسام و موجبات متعددی دارد. برخی از موجبات کفاره طبق قانون جرم محسوب می‌شود و دارای ضمانت اجرای رسمی است. برخی دیگر با وجود گناه بودن، فاقد ضمانت اجرای بیرونی بوده و برخی دیگر شامل اعمال سهوی یا عبادت فوت‌شده است که گناه محسوب نمی‌شوند. اهداف تشریح کفاره، بیشتر متوجه شخص بزه‌کار بوده و در جهت اصلاح و تربیت اوست. البته برخی اهداف اجتماعی هم در تشریح کفاره در سیاست جنایی اسلام وجود دارد که در نهایت به کاهش بزهکاری در جامعه منجر می‌شود و از این‌رو با برنامه‌های فرهنگی و آموزشی، بایستی ادای این تکلیف الهی را همگانی کرد. این مقاله می‌کوشد با تبیین جایگاه کفاره و کارکردهای این نهاد در فقه اسلامی، کیف انگاری کفاره را به‌عنوان جلوه‌ای از کیفرهای شرعی در نظام حقوقی ایران امکان‌سنجی کرده و آن را به‌عنوان مکمل مجازات‌های اصلی پیشنهاد کند.

#### واژگان کلیدی

جرائم مستوجب کفاره، فقه اسلامی، کفاره، گناهان مستوجب کفاره، نظام کیفری ایران.

---

\* نویسنده مسئول: Email: jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

## ۱. مقدمه

در سیاست جنایی اسلام، علاوه بر ضمانت اجرای بیرونی و تدابیر معمولی جزایی، با استفاده از ضمانت اجرای درونی از خود شخص نیز استعانت می‌جویند و او را در مبارزه با جرم به همراهی می‌طلبند. کفاره به‌عنوان یک خودکیفری یکی از ضمانت‌اجراهای درونی محسوب می‌شود و استفاده از این نهاد زمینه وسیع‌تری را در مقابله با جرم فراهم می‌کند و نتایج حاصل از آن که با عزم و اراده خود بزهکار و مشارکت او در اجرای مجازات صورت می‌گیرد، مؤثرتر از نقشی است که برای اجرای واکنش‌های کیفری رسمی پیش‌بینی شده است. در واقع کفاره جبران نقصان حاصل از ارتکاب اعمال غیرمجاز و از جمله عبادت بوده و قصد قربت در آن شرط است. در این نوشتار در پی پاسخ به چند پرسش اصلی هستیم:

۱. آیا کفاره را می‌توان جایگزین مجازات‌های دیگر قرار داد؟ ۲. حکومت اسلامی چگونه می‌تواند کفاره را در قوانین موضوعه قانونمند کند؟ ۳. به سبب موضوعیت نداشتن بنده در زمان حاضر، آیا می‌توان آزاد کردن زندانی را جانشین آن ساخت؟ ۴. نظر به اینکه کفاره در زمره عبادات است، امکان الزام افراد به انجام آن وجود دارد؟

به دلیل اینکه کفاره در نظام جزایی اسلام پیش‌بینی شده، ولی تا به حال در هیچ‌یک از قوانین موضوعه بدان اشاره نشده است و از سوی دیگر، دارای اثرهای مؤثری در پیشگیری از جرم و تکرار آن است، از این رو بررسی آن ضروری به نظر می‌رسد. در قسمت اول مفاهیم و چارچوب نظری مقاله مشتمل بر پیشینه کفاره، اهداف تشریح کفاره و ویژگی‌های آن، خصال کفاره و جایگزین‌های آن و اقسام کفاره تبیین شده است. در قسمت دوم گناہانی که در شرع مقدس اسلام برای آنها کفاره پیش‌بینی شده، به تفکیک بررسی شده است. در قسمت سوم به‌طور جداگانه به جرائم مستوجب کفاره در فقه امامیه اشاره شده است. در قسمت چهارم امکان‌سنجی کیفرانگاری کفاره در حقوق ایران و دیدگاه موافقان و مخالفان بررسی و در پایان ضمن نتیجه‌گیری، پیشنهادهایی به تناسب موضوع ارائه شده است.

## ۲. مفاهیم و چارچوب نظری موضوع

پیش از ورود به بحث اصلی، آشنایی با مفهوم، پیشینه، ویژگی‌ها و انواع کفاره ضروری است.

۲.۱. مفهوم کفاره و پیشینه آن: کفاره بر وزن فعاله، صیغهٔ مبالغه و به معنی بسیار پوشاننده است. الکفاره از ریشهٔ کفر، پوشاندن، مخفی کردن و نهفتن چیزی را گویند و دلیل نامگذاری کفارات این است که گناهان را می‌پوشاند، محو و زایل می‌کند. در فرهنگ فارسی عمید، کفاره، «تاوان تخلف از اوامر شرعی» معنی شده است (عمید، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۶۴۰). در اصطلاح، کفاره عقوبتی است که از سوی شارع برای جبران برخی گناهان معین وضع شده است. گویی کفاره آن گناهان و خطاها را می‌پوشاند و موجب سقوط یا تخفیف عقوبت اخروی آنها می‌شود. به عبارت دیگر، کفاره نوعی کیفر شرعی است که نسبت به جسم یا مال گناهکار اعمال می‌شود و در فقه جزایی اسلام گاه‌آ کفاره به‌عنوان مجازات تمیمی برخی جرائم تعیین شده است (ایمانی، ۱۳۸۲: ۳۷۸).

قبل از قرآن، کلمهٔ کفاره را در دو کتاب آسمانی تورات<sup>۱</sup> و انجیل<sup>۲</sup> مشاهده می‌کنیم. در تورات هدایا و قربانی‌هایی پیشکش می‌شود که بر آنها عنوان کفاره اطلاق شده و صورت واضحی از کفارهٔ خطایا بیان نشده است. دستور حضرت موسی (ع) مبنی بر کشتن افرادی که پرستش گوساله را مرتکب شده بودند، در واقع جهت پوشاندن و تکفیر این گناه عظیم و طلب آمرزش از خداوند بوده است (یوسفی، ۱۳۸۹: ۳۰). در آیین مسیح، حضرت عیسی (ع) را مظهر قربانی عرفانی برای همهٔ انسان‌ها می‌دانند و معتقدند کفاره فقط بر نبی واجب شده است، چون نبی مسئول همهٔ گناهان قومشان است و باید با خون و بدنش خطایا و معاصی قومش را بپوشاند. این دیدگاه به‌عنوان نظریهٔ کفارهٔ نیابتی<sup>۳</sup> شناخته می‌شود (یوسفی، ۱۳۸۹: ۳۱). هرچند واژهٔ کفاره در ادیان یهودیت<sup>۴</sup> و مسیحیت<sup>۵</sup> نیز مشاهده می‌شود و آموزهٔ کفاره از ارکان اساسی الهیات مسیحی، به‌ویژه مسئلهٔ نجات محسوب می‌شود (مفتاح و ربانی، ۱۳۹۳: ۱۴۳)، تشریح واقعی کفاره در دین اسلام پس از هجرت مسلمانان به مدینه و نزول تدریجی قرآن صورت گرفته و لذا تشریح دقیق و موجبات و خصال و شرایط

1. Torah.
2. Gospel.
3. Vicarious Atonement.
4. Judaism.
5. Christianity.

آن در اسلام کامل شده است (یوسفی، ۱۳۸۹: ۳۳). برخی کفارات در قرآن بیان او صاف آنها تشریح شده است، مانند قتل خطایی، کفاره شکستن قسم و کفارهظهار، اما برخی دیگر در قرآن بدانها اشاره نشده و در سنت تعیین شده و در روایات اسلامی اوصاف آنها ذکر شده است، مانند کفاره قتل عمد. با عنایت به این مراتب به نظر می‌رسد نهاد کفاره در فقه اسلامی به صورت تأسیسی<sup>۱</sup> است و جنبه امضایی<sup>۲</sup> ندارد. آیاتی که به مبحث کفارات پرداخته‌اند عبارت‌اند از آیات ۱۸۴ و ۱۹۶ سوره بقره، آیه ۹۲ سوره نساء، آیات ۴۵، ۸۹، ۹۵ سوره مائده و آیات ۳ و ۴ سوره مجادله.

در قوانین موضوعه<sup>۳</sup> ایران تاکنون از کفاره به‌عنوان مجازات نامی برده نشده و همواره کفاره بدون هیچ ضمانت اجرای بیرونی بوده و صرفاً با اختیار و میل باطنی خود مسلمانان اجرا می‌شده است. در پیش‌نویس قانون مجازات اسلامی که به‌منظور تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه شده بود، هرچند کفاره به‌عنوان یکی از مجازات‌های جرم قتل برشمرده شده بود<sup>۴</sup> که آن هم با اعتراض و مخالفت‌های بسیاری از حقوقدانان مواجه شد. لیکن ضمانت اجرایی برای عدم پرداخت آن بیان نکرده بود و این مسئله کارایی آن را زیر سؤال

#### 1. Institutional.

#### 2. Signature.

#### 3. Statutes.

۴. در ماده ۱۶-۱۴۴ فصل اول از باب چهارم این پیش‌نویس آمده بود: «در قتل فرد مسلمان، علاوه بر دیه نفس، قاتل مکلف به پرداخت کفاره قتل نیز است و دادگاه لازم است آن را به‌عنوان تکلیفی بر قاتل در حکم ذکر کند. کفاره قتل به‌ترتیب زیر است: ۱. در قتل عمد چنانچه مقتول مسلمان مؤمن باشد، کفاره جمع ثابت است که عبارت است از آزاد کردن یک برده در صورت امکان آن و روزه دو ماه از ماه‌های قمری بدون فاصله ماه اول و اولین روز ماه دوم و اطعام ۶۰ مسکین. ۲. در قتل خطا اعم از محض و شبه‌عمد و همچنین قتل عمد در صورتی که مقتول مسلمان مؤمن نباشد، یکی از سه مورد ذکر شده واجب است. تبصره ۱. کفاره قتل تنها در صورت مباشرت در قتل است و در موارد تسبیب واجب نیست. تبصره ۲. کفاره در قتل نابالغ و مجنون نیز ثابت است، در صورتی که محکوم به اسلام باشد و همچنین در قتل جنین که روح در آن دمیده شده باشد. تبصره ۳. در موارد شرکت در قتل بره یک از مباشران در قتل مستقلاً کفاره واجب است. تبصره ۴. در موارد اکراه بر قتل کفاره بر عهده قاتل است. تبصره ۵. در مواردی که مقتول مهدو الدم یا مستحق قصاص بوده است، کفاره ثابت نیست. تبصره ۶. وجوب کفاره یک تکلیف است و در صورت فوت قاتل ساقط می‌گردد و از دیون میت محسوب نمی‌گردد».

می‌برد. در بین قوانین جزایی کشورهای اسلامی، در قانون جزایی عربستان مشاهده می‌شود که با وضع کفاره به‌عنوان یکی از مجازات‌های جرم قتل، پرداخت آن الزامی و اجباری شده است (گرچی، ۱۳۶۵: ۶۵). بدین ترتیب کفاره به‌مثابه کیفر تأسیسی در فقه اسلامی عبارت است از پرداخت صدقه، قربانی و انجام عمل شرعی و مانند آن، به‌سبب گناهی که انجام گرفته است و چون این عمل، آثار گناه را محو می‌سازد و آن را از انسان می‌پوشاند، از آن به «کفاره» تعبیر می‌شود. در آیه ۶۵ سوره مائده «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ» نیز به معنای چشم‌پوشی از گناهان و برداشتن عقوبت به‌کاررفته است.

## ۲.۲. اهداف تشریح<sup>۱</sup> کفاره و ویژگی‌های آن: آنچه در اهداف تشریح کفاره مشهود است،

این است که اهداف این مجازات بیشتر توجه به بزه‌کار و عاصی است و به ظاهر نفعی برای بزه‌دیده و جامعه ندارد، البته این خو کیفری در نهایت منافع زیادی برای جامعه به‌همراه خواهد داشت که دستیابی به این منافع نیز موردنظر شارع مقدس بوده است. به هر حال هرچند جبران خسارت و تشفی خاطر بزه‌دیده در این مجازات به چشم نمی‌خورد، لیکن اهدافی مانند تطهیر و آمرزش گناهان، پرداخت حق‌الله و اصلاح امور اخروی و اصلاح و تربیت در این مجازات آشکار است. مناسب‌ترین و نزدیک‌ترین راه برای از بین بردن تیرگی و تاری مابین خداوند و بنده اقدام داوطلبانه از سوی مجرم است و به‌دلیل تمایل و اختیار مجرم، تأثیر کفاره از نفوذ و استحکام عمیق‌تری نسبت به واکنش‌های مراجع رسمی برخوردار است. شارع مقدس با جعل خصال مالی به‌گونه‌ای قصد داشته با افزایش منابع درآمدی حکومت، اجرای وظایف و مسئولیت‌ها را برای دولت اسلامی سهل‌تر سازد و این هدف با اجرای سایر مجازات‌ها تأمین نمی‌شود.<sup>۲</sup> البته خصال مالی کفاره موجب دل‌کنندن انسان از اموال و دارایی‌ها شده و آثار مثبت فراوانی بر شخص کفاره‌دهنده دارد و موجب تقویت روحیه سخاوت و بخشش و نوع‌دوستی می‌شود. از سوی دیگر، دستور به آزادسازی

### 1. Canonization.

۲. چون اجرای مجازات‌هایی مانند قصاص، تعزیر و حد نه تنها برای دولت اسلامی درآمدی ندارد، بلکه هزینه‌زا نیز است.

برده برای اجرای کفاره کاملاً نشانه عنایت و توجه اسلام به کرامت انسانی و ارزشی والای انسان است و دقیقاً این کفاره برای حذف و محو برده‌داری صورت گرفته است. اطعام و پوشاندن مساکین و فقرا بیانگر اجرای عدالت اقتصادی و رفع فقر و تهیدستی در جامعه است. به نظر می‌رسد شارع مقدس با دنبال کردن اهداف مذکور، عدم وقوع بزهکاری ثانوی و در نهایت کاهش بزهکاری را در نظر داشته است (یوسفی، ۱۳۸۹: ۱۳۹). همچنین برای برخی گناهان ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی نشده است؛ مانند عدم وفا بر نذر یاظهار که در این موارد شارع مقدس با جعل کفاره ادای آنها را موجب نجات از عقوبت اخروی دانسته است. تشریح مجازات کفاره برای اعمال خطایی و سهوی نیز به این دلیل است که شارع مقدس خواسته تا مردم نهایت دقت و احتیاط را در رفتارها و اعمال خود به‌کار برند، چون اهمال و بی‌دقتی سرچشمه خطاهاست. بدین‌سان کفاره همچون سایر احکام الهی واجد کارکردهای اخروی و دنیوی است و اجرای آن پیامدهای فردی و اجتماعی مثبت فراوانی دارد که در نهایت به کاهش بزهکاری در جامعه منجر خواهد شد.

مهم‌ترین ویژگی‌های<sup>۱</sup> کفاره عبارت‌اند از:

۱. در آیه ۹۵ سوره مائده به‌عنوان جزا و مجازات و عقوبت ذکر شده و در برخی روایات و کلمات فقها هم به همین معنی آمده است؛ ۲. کفاره نوعی عبادت است و باید در آن قصد قربت باشد؛ ۳. مورد حکم حاکم قرار نمی‌گیرد، ضمانت اجرای بیرونی ندارد، نوعی خود کیفری است که با مشارکت داوطلبانه مجرم صورت می‌گیرد؛ ۴. مسقط و مخفف عقوبت اخروی است. در صورتی که جرائم تعزیری مستوجب کفاره باشد، ادای کفاره که مبین توبه<sup>۲</sup> است، می‌تواند از موجبات تعلیق و تخفیف و تبدیل مجازات باشد؛ ۵. در تشریح کفاره به توانایی و ویژگی‌های درونی و ذاتی افراد بزهکار و عاصی کاملاً توجه شده است و جعل خصال ترتیب و تخییر در ادای کفاره از این جهت است؛ ۶. دارای خاصیت جبران‌کنندگی

#### 1. Characteristics.

۲. در قوانین اسلامی توبه در تعزیرات در صورتی که پیش از ثبوت جرم و یا دستگیری متهم باشد، یکی از اسباب معافیت از مجازات است (اردبیلی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۰۱).

است. جبران‌کننده در عبادات فوت‌شده و اعمال سهوی و خطایی است و در گناهان و جرائم عمدی مستوجب کفاره با ادای کفاره مجرم و عاصی جهت اصلاح رابطه بین خود و خدایش تلاش می‌کند؛ ۷. در مواردی که کفاره به دلیل جرمی که دارای جنبه عمومی بوده واجب شود، پرداخت کفاره به مؤسسات زیر نظر حاکم اسلامی می‌تواند علاوه بر بری نمودن ذمه، جایگزینی مناسب برای زندان باشد (سعادت‌فر، ۱۳۹۰: ۱۷۵). بنابراین مهم‌ترین ویژگی کفاره، ساتر و پوشانندگی گناه، مسقط یا تخفیف‌دهنده عقوبت اخروی به‌مثابه کیفری عبادی است.

### ۲،۳. خصال<sup>۱</sup> کفاره و جایگزین‌های آن<sup>۲</sup>: آنچه برای ادای کفاره باید انجام گیرد عبارت

است از: ۱. آزاد کردن بند، ۲. روزه، ۳. اطعام، ۴. لباس پوشاندن، ۵. استغفار و ۶. قربانی کردن (یوسفی، ۱۳۸۹: ۹۵). وجه مشترک خصال مذکور، نیت است که مشتمل بر قصد قربت است. علاوه بر نیت ه یک از خصلت‌های مذکور که برخی مالی و برخی جسمی‌اند، شرایط خاصی دارند:

### الف) خصال مالی: خصال مالی کفاره که با پرداخت وجه و صرف هزینه از اموال

شخص کفاره‌دهنده انجام می‌گیرد عبارت‌اند از:

### آزادسازی برده: این امر در آیات ۸۹ سوره مائده، ۹۲ سوره نساء و ۳ سوره مجادله آمده

و شارع مقدس این خصلت از کفاره را با عبارت «تحریر رتبه» در قرآن بیان کرده است.<sup>۳</sup> واژه رقاب در آیه ۴ سوره محمد به معنای گردن‌ها به‌کار رفته است که می‌تواند مؤیدی بر این نکته باشد که منظور شارع از واژه رقبه در آیات مذکور که خصال کفاره را بیان کرده، نیز گردن، عهده و ذمه بوده است نه منحصرأً عبد و برده به معنای سنتی صدر اسلام، چراکه اگر منظور شرع صرفاً آزاد کردن عبد و بنده می‌بود، می‌توانست از عبارت «عتق عبد» یا «تحریر

1. Specialties.

2. Successors.

۳. تحریر از ریشه لغوی «حرر» به معنی آزاد کردن انسان است. «رتبه» در کتاب لغت به گردن یا انتهای گردن معنا شده و جمع آن رقاب است.

4. Setting free (From Slavery).



عبد» استفاده کند. از این رو به نظر می‌رسد شارع مقدس با این هدف واژه عام «رقبه» را به کار برده است که «تحریر» منحصرأً به عبد یا برده اختصاص نیابد تا در صورت نبود آن این حکم الهی منسوخ تلقی شود، بلکه بتوان در هر عصر و زمانی جایگزینی برای برده و عبد یافت و با تحریر آن احکام الهی را کماکان ساری و جاری دانست. امروزه بردگی به شکل سابق منسوخ و ملغی شده، از این رو هرچند این خصلت از کفاره موضوعاً منتفی است، در صورت یافتن جایگزینی برای عبد و برده، احکام و شرایط آزادسازی برده را می‌توان بر مورد جایگزین آن نیز بار کرد، مانند آزاد کردن افراد زندانی.

**اطعام:** به دو صورت صادق می‌شود یا با تسلیم ماهه غذایی مانند گندم، آرد و دیگری با اطعام به صورت میهمانی کردن به غذا. کفاره‌دهنده مخیر است همه مساکین را به یکی از دو صورت اطعام دهد یا ترکیبی از این دو روش را اعمال کند.

**لباس پوشاندن:** هم می‌تواند همانند صورت اطعام اجرا شود.

**قربانی کردن:** این گونه از کفارات مالی در خصوص ارتکاب محرمات احرام جمع و نیز آنچه در حرم مکه ممنوع است تشریح شده است.

**ب) خصال بدنی:** خصال بدنی کفاره هم عبارت‌اند از:

**روزه:** یکی از خصال کفاره، دو ماه<sup>۱</sup> روزه پی‌درپی گرفتن است.

**استغفار:** شرط اساسی در این خصلت، عجز و ناتوانی در انجام و پرداخت خصال دیگر است، چون استغفار در واقع جایگزین خصال دیگر به حساب می‌آید. حال سؤال این است که آیا عمل به کفاره فوریت دارد یا خیر؟ در جواهر الکلام در مورد زمان عمل به کفاره، سه قول وجود دارد (نجفی، ۱۴۳۰ق، ج ۳۳: ۲۳۸)؛ اول: مطلقاً کفاره واجب فوری است، زیرا به منزله توبه است و توبه هم واجب فوری است. دوم: فقط کفارات مالی که دیگران (مثلاً فقرا) در آن حق دارند، همانند دیگر حقوق مالی فوری هستند و بقیه کفارات فوری نیست، چون صرف امر به آنها مقتضی فوریت نیست. سوم: کفاراتی که مترتب بر گناه نیست؛ مثل کفاره عجز از روزه ماه رمضان فوری

۱. مقصود از ماه، ماه قمری است.

نیستند. در کفارات مترتب بر گناه، دو وجه است: یکی فوریت از این جهت که به منزله توبه هستند و توبه واجب فوری است. دوم عدم فوری، زیرا اصل عدم فوریت است و دلیل و قرین‌های زائد بر اصل در بین نیست که فوریت را افاده کند. اما علاوه بر این سه قول، در تحریر الوسیله قول دیگری که قول چهارم به حساب می‌آید، اختیار شده است. «ظاهر این است که وجوب کفارات موسع است، پس مبادرت فوری به آنها واجب نیست و تأخیر در انجام آنها مادام که به حد سهل‌انگاری نرسد جایز است» (خمینی موسوی، ۱۳۷۹: ج ۲: ۱۲۷).

بیشتر خصال کفارات از لحاظ نوع و مقدار مشخص شده‌اند و در صورت اشتغال ذمه مکلف به آنچه به‌عنوان کفاره مشخص شده (آزاد کردن بنده، اطعام و لباس پوشاندن) باید عین همان پرداخت شود و پرداخت قیمت مطابق با نظر فقهای امامیه جایز نیست (یوسفی، ۱۳۸۹: ۱۱۰)، جز در موارد خاصی که خود شارع قیمت را جایگزین کفاره غیرمقدور کرده است، مانند برخی کفارات صید در حال احرام نمی‌توان گفت تکلیف از خصال معین شده کفاره بر قیمت آن منتقل می‌شود، چون ذمه مکلف نسبت به خصال مشخص شده کفاره مشغول شده است نه به قیمت آن، در کفارات مالی که قابل تقویم‌اند، ادای قیمت کفایت نمی‌کند. فقهای امامیه در این مورد اختلاف ندارند، اما در فقه عامه با استناد به قیاس و استحسان که نزد فقه امامیه حجت نیست، راه برای انتقال وجوب از کفاره معینه به قیمت آن و کفایت ادای قیمت باز است (یوسفی، ۱۳۸۹: ۱۱۰). اما در صورتی که به علت نایاب بودن متعلق کفاره و ناتوانی مالی یا ناتوانی جسمی مکلف نتواند به کفارات تعیین شده عمل کند، آیا تکلیف از او ساقط می‌شود یا برای این حالت جایگزینی دیگری مقرر شده است؟ در فقه امامیه برای برخی صور عجز از عمل به کفاره معینه، جایگزین و بدل پیش‌بینی شده است. از جمله با استناد به برخی روایات بین امامیه مشهور است که اگر مکلف نتواند به هیچ‌یک از خصال ثلاثه<sup>۱</sup> عمل کند، باید ۱۸ روز روزه بگیرد و اگر این را نیز نتواند، به اندازه هریک از ۱۸ روز یک مد طعام به فقیر بدهد. حال اگر مکلف قادر به عمل به این جایگزین هم نبود، فقهای امامیه بر این اتفاق دارند که جز در موارد ظهار، استغفار کنند و چیزی به عهده‌اش نیست (نجفی، ۱۴۳۰ق، ج ۳۳: ۲۹۲). خصال کفاره و ملاحظه جایگزین‌های آن

۱. آزاد کردن برده، روزه و اطعام.

مفهوم این معناست که شارع مقدس علاوه بر اهداف فردی، اهداف اجتماعی مهمی نیز در تشریح کفاره مدنظر داشته است که از جمله آنها تقویت پیوندهای اجتماعی است.

۲.۴. **اقسام کفاره:** کفاره‌ای که در هر یک از گناهان و جرائم مستوجب کفاره، واجب شده، متفاوت است و فقها کفاره‌ها را در یک تقسیم کلی بر پنج قسم دانسته‌اند (فیض، ۱۳۷۳: ۶۴):

**کفاره معین یا واحده:** به کفاراتی گفته می‌شود که نه به‌طور تخییر بین چند عمل است و نه به‌طور ترتیب بین آنها، بلکه یک عمل بیش نیست، مانند بسیاری از کفارات احرام. **کفارات مرتب:** در کفارات مرتب انجام چند عمل واجب است، ولی این اعمال در طول یکدیگرند نه در عرض هم؛ یعنی اول عمل معینی واجب است که در صورت مقدور بودن آن، نوبت به عمل دوم نمی‌رسد.

**کفارات مخیر:** در این کفاره‌ها مکلف از همان ابتدا حق انتخاب را دارد و می‌توان میان دو یا چند عمل که در عرض هم هستند، هر کدام را که بخواهد انجام دهد، مانند کفارات مخالفت با نذر و عهد.

**کفارات جامع‌الوصفین:** این کفارات هر دو صفت ترتیب و تخییر را دارند. در مرحله اول مکلف بین چند عمل مخیر است، یعنی هر کدام را که بخواهد می‌تواند انجام دهد. در مرحله دوم اگر قادر به انجام هیچ‌یک از اعمال مرحله اول نبود، امر دیگری بر او واجب می‌شود، مانند کفاره حنث قسم که از ابتدا می‌تواند یک بنده را آزاد کند یا ده فقیر را اطعام بدهد یا ببوشاند، اگر هیچ‌کدام برایش مقدور نبود، باید سه روز روزه بگیرد.

**کفارات جمع:** این دسته شامل چند عمل می‌شود که مکلف در انجام این اعمال مخیر نیست و ترتیبی هم در انجام آنها وجود ندارد، بلکه باید همه اعمال را انجام دهد، مانند قتل عمدی که باید همه سه عمل را با هم انجام دهد.

کفاره معین مانند کفاره‌های حج بوده و برخی از موارد آن عبارت‌اند از: مورد اول کفاره شکار شتر مرغ؛ یک بدنه شتر ۵ ساله، در صورت موجود نبودن قیمت آن برای تهیه غذا برای ۶۰ فقیر، اگر نشد ۶۰ روز روزه و اگر آن هم نشد، ۱۸ روز روزه گرفته می‌شود. مورد

دوم کفاره شکار گاو و الاغ وحشی؛ یک گاو اهلی و اگر خرید آن میسر نشد، صرف قیمت آن برای غذای ۳۰ مسکین. مورد سوم کفاره شکار آهو، روباه و خرگوش؛ یک گوسفند و در صورت میسر نبودن تهیه گوسفند، صرف قیمت آن برای تهیه غذای ۱۰ فقیر. مورد چهارم کفاره شکستن تخم شتر مرغ؛ در صورتی که جوجه در آن به حرکت درآمده باشد یک شتر جوان، در غیر این صورت به تعداد تخم‌های شکسته، بچه‌های شتر را به‌عنوان قربانی به کعبه تقدیم می‌کند و در فرض عاجز بودن، به ازای هر تخم شکسته یک گوسفند می‌پردازد. در فرض ناتوانی از دادن گوسفند هم به ۱۰ نفر مسکین به هر کدام به اندازه یک مد غذا می‌دهد و اگر قادر بر اطعام هم نبود، ۳ روز، روزه می‌گیرد. کفارات مرتبه در سه مورد است: مورد اول کفاره زهار و مورد دوم قتل خطایی که در این دو مورد عتق رقبه واجب است و اگر از عتق رقبه عاجز باشد، باید دو ماه پشت سر هم روزه بگیرد و اگر از روزه گرفتن هم عاجز باشد، باید ۶۰ مسکین را طعام دهد. مورد سوم هم کفاره افطار قضای روزه ماه رمضان در بعد از ظهر است که ابتدا باید ده مسکین را طعام دهد و اگر از طعام ده مسکین عاجز باشد، باید سه روز، روزه بگیرد. کفارات مخیره در پنج مورد است: اول کفاره افطار روزه ماه رمضان، دوم حنث نذر، سوم حنث عهد، چهارم بریدن موی زن خود در مصیبت و پنجم افساد اعتکاف. کفاراتی که ترتیب و تخییر، باید در آنها مراعات شود، در چهار مورد است: اول کفاره حنث یمین، دوم کفاره کندن موی زن خود در مصیبت، سوم خراش صورت زن در مصیبت توسط خود، چهارم پاره کردن لباس مرد در مرگ اولاد و زوجه توسط خود. در این چهار مورد، ابتدا مخیر است بین عتق رقبه و اطعام ده مسکین و پوشاندن آنها و در صورت عاجز بودن باید سه روز، روزه بگیرد. کفاره جمع هم در دو مورد است: اول کشتن عمدی و ظالمانه مؤمن، دوم افطار به حرام در ماه رمضان.

### ۳. گناهان<sup>۱</sup> مستوجب کفاره در فقه اسلامی

در صدر اسلام هر گناهی جرم تلقی شده است و عدم مجازات هر گناهی توسط ائمه

---

1. Sins.

معصومین(ع)، نه به دلیل جرم نبودن آنها، بلکه بیشتر به دلایل خارجی و ناشی از سیاست جنایی خاصی بوده است که می‌توان آن را «سیاست‌گزینشی»<sup>۱</sup> دانست. سیاست کیفری اسلام هم گنا‌هانی را که توسط حکومت جرم‌انگاری شده است، در برمی‌گیرد و هم سایر محرمات که توسط شارع مقدس احصا شده است که برخی از آنها عبارت‌اند: از خودکشی، محرمات احرام، ایلاء وظهار.

**۳.۱. خودکشی:** خودکشی نوعی قتل است، با این تفاوت که هم عنوان قاتل و هم مقتول بر یک شخص بار می‌شود. شیخ طوسی خودکشی را از موجبات کفاره ندانسته و دلیل آن را اصل برائت ذمه و نیاز به اشتغال ذمه به دلیل ذکر کرده است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ج ۵: ۲۹۶). اما در نهایت به دلیل عمومیت آیه و عدم تفکیک و تفصیل در آن، قول وجوب کفاره در خودکشی را قوی‌تر دانسته است (یوسفی، ۱۳۸۹: ۶۵). برخی فقهای امامیه، شافعی و حنبلی هم معتقدند که کفاره تعلق می‌گیرد و آن را از میراث فردی که خودکشی کرده است، می‌دهند (طوسی، ۱۴۲۰ق، ج ۳: ۱۴۸؛ کاسانی، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ۲۷۶؛ ابن‌قدامه، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰: ۳۹؛ مطیعی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۹: ۱۸۵). در جواهر الکلام آمده است: «علامه در قواعد الاحکام با استناد به عموم دلیل وجوب کفاره قتل، بر کسی که خود را کشته کفاره را واجب دانسته اما این قول اشکال دارد. زیرا این مورد از شمول ادله کفاره قتل بیرون است. علاوه بر این، کفاره قتل زمانی واجب می‌شود که مرگ حاصل شود و بعد از حصول موت میت تکلیف نیست تا به واجبی مکلف شود» (نجفی، ۱۴۳۰ق، ج ۴۳: ۴۱۲). از این رو ایشان قول به عدم وجوب کفاره در خودکشی را اختیار کرده است. این مسئله مورد اتفاق فقهای امامیه بوده و دلیل آنها، اصل برائت ذمه است، زیرا اشتغال ذمه به دلیل نیاز دارد. اگر گفته شود که دلیل اشتغال، اطلاق آیه شریفه «وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ» است که قتل نفس خود را هم شامل می‌شود. در پاسخ می‌توان گفت که این اطلاق منصرف به کشتن فرد دیگری است و شامل خودکشی نمی‌شود. پس انصراف، مانع تمسک به اطلاق آیه مذکور جهت اثبات وجوب کفاره در خودکشی است.

- 
1. Selection policy.
  2. Suicide.

۳،۲. **محرمات احرام:** پس از آنکه حاجی محرم شد، ۲۴ چیز بر او حرام می‌شود که عبارت است از: شکار حیوانات صحرائی، مواقعه با همسر، عقد کردن زن برای خود یا غیر، استمناء، استعمال عطریات و بوی خوش، پوشیدن پوشش‌های دوخته برای مردان، سرمه کشیدن به سیاهی که در آن زینت باشد، نگاه کردن در آینه، پوشیدن کفشی که تمام روی پا را می‌گیرد، فسوق (اعم از دروغ گفتن و فحش دادن یا فخر و مباهات کردن)، جدال و گفتن لا والله و بلی والله (قسم یاد کردن به نام الله) و غیره... (مرکز تحقیقات حج، ۱۳۹۱: ۲۹۸). برخی قدما و فقهای معاصر، کندن دندان در حال احرام را هم اگر موجب خون آمدن شود، حرام می‌دانند و بنابر احتیاط واجب، کفاره آن را قربانی کردن یک گوسفند دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۲۸ق، ج ۱: ۴۲۷؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ج ۱: ۵۰۰؛ ابن برنج، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۲۴۲؛ حلبی، ۱۴۰۷ق: ۲۰۴؛ اراکی، ۱۳۷۳: ۱۱۶؛ خمینی موسوی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۳۶۷). لیکن صاحب حدائق، بعد از آنکه مستند قائلان به وجوب کفاره بر قلع ضرس را روایت محمد بن عیسی مطرح می‌کند، این روایت را سنداً و متناً رد می‌کند و سپس می‌فرماید: «و الاستناد إلى ما هذا شأنه و إثبات حکم شرعی به مشکل» (بحرانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵: ۵۲۸-۵۲۷). صاحب جواهر بعد از نقض و تأیید قول به تردید و وجوب کفاره در قلع ضرس، می‌فرماید: «فإن الروایة غیر مستندة إلى الإمام علیه السلام، بل احتمال فیها أن یکون أدمی بالقلع و یکون الدم لأجله» (نجفی، ۱۴۳۰ق، ج ۲۰: ۴۳۰). مرحوم علامه حلی هم در وجوب کفاره شاة بر قلع ضرس تشکیک کرده و در کتاب‌های «منتهی» و «مختلف»، به صراحت می‌فرماید: «و الاستناد إلى البرائة الأصلية أولی» (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۸۴۶؛ حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۴: ۱۷۷). برای ارتکاب محرمات مورد اشاره کفاراتی مقرر شده است که به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: کفاره شکار کردن (صید) و کفاره سایر محرمات؛ البته به جز شکار کردن که در آن مطلقاً کفاره بر انسان واجب می‌شود. کفارات دیگر در صورت علم و عمد در انجام محرمات بر محرم واجب می‌شود. اگر شخص محرم حیوانات بری را در حال احرام شکار کند و بکشد، باید کفاره بپردازد، این حکم شامل حیوانات بحری نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۱۳۹)، دلیل این کفاره در آیه ۹۵ سوره مائده آمده است: «لیذوق وبال امره». تا کیفر خود

را بچشد. وبال عقوبت کار انجام‌شده است (طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۲۷؛ قطب راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۲۱۴)، یعنی این کفاره به سبب جزای گناهی است که شخص آن را مرتکب شده و در حال احرام صید کرده است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۴ق، ج ۱: ۳۲۲). «وانتم حرم» در آیه مذکور جمله‌ای عام و شامل حج تمتع و عمره است و حکم کفاره زن و مرد هم تفاوتی ندارد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰: ۷). عده‌ای از فقها در سه خصلت قربانی، اطعام و روزه قائل به تخییر و عده‌ای قائل به ترتیب شده‌اند (یوسفی، ۱۳۸۹: ۸۱). اطعام مساکین و روزه معادل که عدل باید براساس قیمت صید باشد و در آیه استنادی، مراد از عدل غیر از جنس آن چیز است (طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۲۳؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۵۳۳) که در روایت معادل هر مد طعام، یک روز روزه بیان شده است (قمی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۸۶). در صورت انجام سایر محرمات احرام، شخص محرم باید به عنوان کفاره یک قربانی تقدیم کند. با بررسی و تحلیل آیات<sup>۱</sup> و روایات<sup>۲</sup>، کارکرد محرمات احرام را می‌توان ایجاد مواسات به واسطه حفاظت از گفتار و کردار دانست، زیرا با کنترل غضب و شهوات در زمان احرام، دستیابی به ارتباط مطلوب با هم‌نوعان، به مراتب آسان‌تر می‌شود.

۳،۳. ایلاء<sup>۳</sup>: ایلاء<sup>۴</sup> در واقع نوعی یمین خاص است، نوعی سوگند است که در آن شوهر با هدف رنجاندن و آزار رساندن به زن قسم یاد می‌کند برای مدتی بیش از چهار ماه یا برای همیشه با همسر خود نزدیکی نکنند. چنین سوگندی که توسط شوهر یاد می‌شود، صحیح

۱. «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» (حج: ۱۸). آیا نمی‌بینی که آنچه در آسمان‌ها و در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبنده‌ها و بسیاری از مردم برای خداوند سجده می‌کنند و بسیاری هم مستحق عذاب می‌باشند و هر که خدا او را بی‌ارزش سازد، کسی نمی‌تواند او را گرامی کند؛ زیرا خداوند هر کاری که بخواهد انجام می‌دهد.

۲. از امام صادق(ع) روایت شده است که هیچ پرنده‌ای در خشکی و دریا شکار نمی‌شود و هیچ حیوان وحشی شکار نمی‌شود، مگر به سبب آنکه در تسبیح فروگذار کرده است (قمی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۰۷).

3. Ayla.

۴. ایلاء در قوانین موضوعه از جمله جرائم نیست، ولی از جمله معاصی و گناهان محسوب می‌شود.

است و مخالفت با آن سبب وجوب کفاره می‌گردد (جبعی عاملی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۳۳). البته شرط است که زن مدخول بها باشد و الا ایلاء واقع نمی‌شود. با آنکه سوگند بر ترک امر واجب صحیح نیست و چنین سوگندی اصلاً منعقد نمی‌شود، در ایلاء استثنائاً سوگند شوهر به ترک نزدیکی بیش از چهار ماه صحیح است و منعقد می‌شود. سند مشروعیت این سوگند آیه ۲۲۶ سوره بقره است؛ مطابق این آیه ایلاء یک سوگند منعقد است که نباید از آن عدول شود، اما چون این سوگند بر امر حرام یاد شده است، عدول از آن لازم است و برای عدول همانند سایر سوگند منعقد باید کفاره حنث قسم پرداخت شود؛ یعنی در صورتی که شوهر برخلاف سوگند خود عمل نماید، باید یک برده را آزاد کند یا اینکه ده مسکین را اطعام دهد یا لباسی بپوشاند و در مرحله بعد اگر از این سه امر عاجز بود، باید سه روز روزه بگیرد (نجفی، ۱۴۳۰ق، ج ۳۳: ۳۲۲).

در صورتی که شوهر چنین سوگندی یاد کند و قصد عدول از سوگند خود را نداشته باشد، زن می‌تواند به حاکم شرع مراجعه کند و حاکم شرع چهار ماه به مرد مهلت می‌دهد و سپس او را به یکی از این دو کار مکلف می‌کند یا باید کفاره یمین بدهد و به همسرش رجوع کند یا او را طلاق دهد. به این ترتیب با اینکه اسلام ایلاء را به‌طور کلی ابطال نکرده، اما آثار سوء آن را از بین برده است، زیرا به کسی اجازه نمی‌دهد که از این راه، همسرش را سرگردان سازد. اگر مدت چهار ماه به‌عنوان ضرب‌الاجل تعیین کرده، نه به‌خاطر این است که می‌توان از این طریق مقداری از حقوق زناشویی را باطل کرد، بلکه از این نظر است که آمیزش جنسی به‌عنوان یک واجب شرعی در هر چهار ماه لازم است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۵۰-۱۴۹). بنابراین پیش‌بینی کفاره ایلاء در حقیقت کیفری است برای مردان لجوج تا به این شیوه ناجوانمردانه برای ابطال حقوق زن، متوسل نشوند و این کار را تکرار نکنند. آیه ۲۲۶ سوره بقره «لِّلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» که به جمله غفور رحیم ختم می‌شود، اشاره به این دارد که این کفاره، سبب می‌شود که گذشته گناه‌آلود هم مشمول غفران رحمت الهی شود.

۳.۴. **ظهار:** ظهار از موجباتی است که فقهای امامیه و عامه در سببیت آن برای کفاره



اتفاق نظر کرده‌اند.ظهار مأخوذ از «ظهر» و به معنای پشت هست و بدین معناست که کسی پشت زن خود را به پشت یکی از محارم نزدیک خود از قبیل مادر تشبیه کند. این عمل حرام و از گناهان کبیره به‌شمار می‌رود، بعد از آنکه مرد این جمله را به همسرش بگوید، زن بر او حرام می‌شود و پس از آن مرد مخیر است یا کفاره بدهد و به حال اول برگردد یا زن را طلاق دهد و چنانچه هیچ‌یک از این دو کار را انجام نداد و زن به حاکم شرع مراجعه کرد، حاکم شرع تا سه ماه به مردظهارکننده فرصت می‌دهد که در ظرف این مدت زن را طلاق دهد یا کفاره بدهد و به حال اول برگردد (یوسفی، ۱۳۸۹: ۷۸). دلیلظهار برای ثبوت کفاره، آیات ۳ و ۴ سوره مجادله بوده و لذا کفارهظهار واجب و از قسم کفارات مرتب است. در فلسفه پرداخت کفارهظهار می‌فرماید: «لئومنوا بالله و رسوله و تلک حدود الله». این برای آن است که به خدا و رسولش ایمان بیاورید؛ اینها مرزهای الهی است (مجادله: ۴). از این رو خداوند متعال با تعیین کفاره در واقع تجلی و رحمت خود را به منصفه ظهور گذاشته، تا حدی که با وضع حکم کفاره، حرمت ابدی را از زنظهارشده برطرف می‌کند (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۳۹۲) و بدین‌سان تنها با پرداخت کفاره، بازگشت از این عمل غیراخلاقی امکان‌پذیر می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۲۳: ۴۱۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۱۷۷). کفارهظهار آزادی برده‌ای است و اگر ممکن نباشد، دو ماه پشت سر هم روزه گرفتن واجب می‌شود و اگر نتوانست، شصت مسکین را طعام می‌دهد (بیگی و آشنا، ۱۳۹۸: ۱۲۵-۱۲۴). ظاهر آیه‌های فوق این است که شصت روز روزه باید پی‌درپی باشد، اما در روایات اسلامی وارد شده اگر سی‌ویک روز متوالی باشد، پی‌درپی بودن دو ماه صدق می‌کند (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۱۳۸). آزادی یک برده که نخستین کفارهظهار است، علاوه بر اینکه تناسب جالبی با مسئله مبارزه با بردگی زن در چنگال مردان خودکامه دارد، نشان می‌دهد که اسلام می‌خواهد از تمام طرق ممکن، به بردگی بردگان پایان دهد. روزه گرفتن دو ماه پی‌درپی قبل از آمیزش جنسی هم اثر عمیق بازدارندگی دارد، چراکه روزه نه‌تنها در تصفیه روح و تهذیب نفوس اثر دارد، می‌تواند جلوی تکرار این‌گونه اعمال را در آینده بگیرد. به‌طور کلی، هدف اصلی از جعل کفارات درظهار این است که به خدا و رسولش ایمان بیاورند و رابطه همسری را حفظ کنند.

۳,۵. **نقض یمین منعقدہ<sup>۱</sup>**: نقض یمین منعقدہ سوگندی است که بر انجام یا ترک عمل در زمان آینده با قصد بر آن واقع می‌شود و غرض از آن تأکید بر تحقق انجام یا ترک آن عمل است (نجفی، ۱۴۳۰ق، ج ۳۵: ۲۲۶). این نوع سوگند است که با اجتماع شرایط منعقدہ شده و اطاعت و وفای به آن واجب است و مخالفت با آن حرام است و در صورت مخالفت، کفاره بر آن واجب می‌شود. کفاره حنث چنین سوگندی از نوع جامع‌الوصفین است (یوسفی، ۱۳۸۹: ۷۴)؛ یعنی هم مرتب و هم مخیر است؛ بدین صورت که در مرحله اول حالف باید یا یک بنده آزاد کند یا ده مسکین را طعام دهد یا ده مسکین را بپوشاند و در انتخاب هریک از این موارد اختیار دارد و در مرحله بعد در صورت عجز از سه مورد، خودش باید سه روز روزه بگیرد. البته برخی معتقدند اگر قسم از باب لجاجت باشد، شخص علاوه بر آنکه گناهی بزرگ مرتکب شده، کفاره وی نیز فایده‌ای ندارد (ابن اسحاق، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۱۳۸). کفاره‌ای که در آیه ۸۹ سوره مائده بیان شده، به یک اعتبار از متفرعات سوگند بوده و تقدیر آن نقض سوگند است. چون علت جعل کفاره به گناه صورت گرفته، یعنی به شکستن سوگند مربوط می‌شود نه خود قسم، چراکه اگر خود قسم معصیت بود، معنا ندارد در آخر آیه، خداوند متعال امر به حفظ سوگند کند: «واحفظوا ایمانکم». کما اینکه مواخذه در اول آیه «و لکن یواخذکم»، بر نقض سوگند است نه خود آن (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۱۱۱-۱۱۰). به تصریح آیه ۲ سوره تحریم «قد فرض الله لکم تحله ایمانکم»، خداوند راه گشودن سوگند را در این موارد روشن ساخته است. در روایات اسلامی هم به علت کفاره نقض سوگند اشاره شده که خداوند به وسیله کفاره دادن، راه بازگشت از سوگند را باز گذاشته است (قمی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۷۶).

۳,۶. **سایر گناهان**: تعدادی از گناهان مستوجب کفاره مانند ترک نماز آیات و غیره در کتاب‌های فقهی بیان شده است که از ذکر همه آنها خودداری شده و به مهم‌ترین آنها به اختصار اشاره می‌شود:

---

1. Breach of Oath.

سوگند بر بیزاری و برائت از خدا و رسول و ائمه معصومین(ع): همه فقها اتفاق نظر دارند که چنین سوگندی خواه راست باشد و خواه دروغ و خواه قسمش را بشکند یا نشکند، حرام و گناه است. درباره کفاره این سوگند اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند در صورتی که شخص قسم خورنده از قسمش تخلف کند، باید کفاره پردازد و برخی دیگر نیز اعتقاد دارند چنین سوگندی مطلقاً کفاره دارد، چه شخص تخلفی بکند و چه نکند و قول سوم این است که چنین سوگندی هر چند حرام است، اما کفاره ندارد، حتی در صورت شکستن قسم هم کفاره ندارد، زیرا چنین سوگندی اصلاً منعقد نمی‌شود (یوسفی، ۱۳۸۹: ۸۸). علت تشریح کفاره برای شخصی که به حق رسول خدا سوگند یاد می‌کند و آن را می‌شکند، این است که چون حق پیامبر یکی از پایه‌های شهادت است و سوگند به او سوگند به خداست، لذا هر دو کفاره دارند.

**کفاره وطی<sup>۱</sup> زوجه حائض:** حرمت وطی حائض در قبل به اجماع تمام مسلمین ثابت است و در آیه ۲۲۲ سوره بقره حکم این مسئله بیان شده است. امام خمینی(ره) در این مورد کفاره را واجب دانسته است (خمینی موسوی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۵۴). اما عده‌ای دیگر قائل به استحباب شده و چنین نزدیکی را از موجبات کفاره مندوب دانسته‌اند (یوسفی، ۱۳۸۹: ۳۱). کفاره مجامعت با زوجه در هنگام حیض از استفتائی که از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) شده روشن می‌شود. امام باقر(ع) در مورد مردی که با همسر خود در هنگام حیض جماع کرده بود، فرمودند: واجب می‌شود بر او چنانچه ابتدای حیض باشد، باید یک دینار به‌عنوان تصدق بدهد و اگر زن در پایان حیض است، باید نصف دینار صدقه دهد. بیست و پنج تازیانه یعنی یک‌چهارم حد زناکار هم بر وی جاری می‌شود؛ چراکه او برخلاف کتاب و سنت آمیزش کرده است<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۷: ۱۹) امام صادق(ع) هم فرمودند: اگر

#### 1. Sexual Intercourse.

۲. سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي الْمَرْأَةَ وَ هِيَ حَائِضٌ قَالَ يَجِبُ عَلَيْهِ فِي اسْتِئْذَانِ الْحَيْضِ دِينَارٌ وَ فِي اسْتِئْذَانِ نَيْفِ دِينَارٍ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ يَجِبُ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنَ الْحَدِّ قَالَ نَعَمْ خَمْسَةٌ وَ عَشْرِينَ سَوْطاً رُبْعَ حِدِّ الزَّانِي لِأَنَّهُ أَتَى سِفَاحاً.

مجامعت در روزهای ابتدایی حیض باشد، باید استغفار کند و به هفت نفر از مؤمنان به قدر قوت یک روزشان صدقه دهد و دیگر مرتکب این عمل نشود و اگر نزدیکی در روزهای آخر قاعدگی و قبل از غسل باشد، چیزی بر او نیست<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۳۹۱، ج ۲۴: ۳۵۷). حکمت این حکم از طرفی مربوط به مردان است، یعنی عادت کردن آنها به صبر و جلوگیری از اسراف در شهوترانی است. از سوی دیگر، مربوط به زنان است، یعنی این حالت باعث ناراحتی زنان است که در صورت نزدیکی این ناراحتی تشدید می‌شود.

**کفاره نذر<sup>۲</sup>:** در کفاره شکستن نذر میان اصحاب اختلاف شده است. برخی بزرگان فرموده‌اند که کفاره آن، کفاره افطار عمدی روزه ماه رمضان است. برخی دیگر از اصحاب، کفاره شکستن نذر را کفاره حنث یمین می‌دانند. برخی دیگر از اصحاب قائل به تفصیل شده‌اند، مبنی بر اینکه اگر ناذر روزه نذر کرده باشد، باید کفاره افطار ماه رمضان را بدهد و اگر غیر آن را نذر کرده باشد، کفاره یمین واجب می‌شود (سعادت‌فر، ۱۳۹۰: ۱۵۸). بنابراین، هرچند از نظر حکم شرعی انجام یا ترک کار نذر شده بر انسان لازم نیست، لیکن شخص اگر با اجرای صیغه نذر، آن را بر خودش واجب کند، انجام یا ترک آن کار نیز بر او واجب شرعی می‌شود و لذا در صورت تخلف می‌بایست تبعات آن را مانند کفاره نذر بپردازد.

**کفاره عهد<sup>۳</sup>:** در کفاره مخالفت با عهد اختلاف است. برخی کفاره شکستن عهد را کفاره افطار ماه رمضان دانسته و برخی دیگر قائل‌اند بر اینکه کفاره شکستن عهد کفاره یمین است. بعضی دیگر هم قائل به تفصیل شده‌اند، مبنی بر اینکه اگر عهد کند روزه بگیرد، باید کفاره افطار روزه ماه رمضان را بدهد و اگر چیزی غیر از آن را عهد کند، کفاره یمین بر او واجب می‌شود (سعادت‌فر، ۱۳۹۰: ۱۶۶).

**کفاره خراشیدن صورت و خودزنی:** خودزنی در مصیبت از موجبات کفاره است. برخی

۱. سئل أبو عبد اللّٰه عن رجلٍ واقع امرأته وهي حائضٌ قال إن كان واقعها في استقبال الدم فليستغفر الله و ليصدق على سبعة نفر من المؤمنين بقدر قوت كل رجلٍ منهم ليؤممه و لا يغدو و إن كان واقعها في إنبال الدم في آخر أيامها قبل الغسل فلما شئء عليه.

2. Votive Offerings

3. Covenant.

بزرگان نظر به این داده‌اند که کفاره این امر کفارهظهار است، یعنی بین خصال آن ترتیبی وجود دارد. اما بنا بر نظر مشهور باید کفاره افطار روزه ماه رمضان را بدهد (سعادت فر، ۱۳۹۰: ۱۶۶). دلیل وجوب کفاره عهد، حدیث «مَنْ نَذَرَ نَذْرًا لَا يُطِيقُهُ فَكَفَّارَتَهُ كَفَّارَةُ يَمِينٍ<sup>۱</sup>» است. بدین سان اگر شخصی عهد خودش را نقض کند، بر وی کفاره یمین لازم می‌گردد.

#### ۴. جرائم مستوجب کفاره در فقه اسلامی

برخی از اعمال و موجبات کفاره که در قانون مجازات اسلامی جرم دانسته شده‌اند، شامل جرائم علیه اشخاص، جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی و جرائم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی اند.

۴.۱. قتل<sup>۲</sup>: در اسلام برای قتل دو نوع مجازات در نظر گرفته شده است؛ نوع اول قصاص، تعزیر و دیه است که دارای ضمانت اجرای بیرونی‌اند و توسط حکومت اجرا می‌شوند. نوع دوم کفاره است که جهت نجات از عقاب آخرت با مشارکت داوطلبانه مجرم و با ضمانت اجرای درونی انجام می‌گیرد. در قرآن کریم مطابق آیه ۹۳ سوره نساء مجازات اخروی قتل عمد<sup>۳</sup>، خلود در آتش جهنم و غضب و لعنت خدا بر او بیان شده است. از این رو به جز مجازات قانونی قصاص، قاتل باید به کیفر خود نیز مبادرت ورزد تا از آتش جهنم رهایی یابد. کفاره قتل عمد در قرآن بیان نشده است، اما فقهای امامیه به استناد ادله معتبر و اجماع قائل به وجوب کفاره در قتل عمد هستند (جبعی عاملی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۶۲). در بین فقهای عامه در مورد وجوب کفاره در قتل عمد اختلاف است. شافعی معتقد است وقتی در قتل خطایی که گناه نیست کفاره واجب است، در شبه عمد و عمد که متضمن گناه شدید است، به طریق اولی باید واجب باشد. حنفیه، مالکیه و حنابله می‌گویند در قتل عمد، کفاره واجب نیست، زیرا شارع با اجرای حکم قصاص یا پرداخت دیه در مورد قاتل عمد به اندازه کافی مجازات وی را تشدید کرده است و چنانچه اولیای مقتول از قصاص صرف نظر کنند،

۱. هر کسی نذر کند و قادر به انجامش نباشد، کفاره آن کفاره یمین است.

2. Homicide.  
3. Murder.

نوبت به دیه می‌رسد (موسوی، ۱۳۶۹: ۸). استدلال قائلان به عدم وجوب کفاره قتل عمد این است که در آیه مربوط به قتل عمدی سخنی از کفاره نیامده و فقط قصاص از قاتل و خلود در جهنم سزای او شمرده شده است، پس قتل عمد کفاره ندارد. ابوحنفیه و اصحاب او نیز معتقدند در قتل عمدی کفاره واجب نیست. چون کفاره هم عبادت است و هم کیفر، نمی‌تواند بر قتل عمدی که گناه کبیره محض است و هیچ اباحه‌ای در آن وجود ندارد تا جنبه عبادی کفاره در برابر آن قرار گیرد، مترتب شود و نمی‌توان قتل عمدی را با قتل خطایی قیاس کرد، چون کفاره مجازات مقدر است و اثبات آن با قیاس جایز نیست و باید با نص خاص ثابت شود (عوده، ۱۹۹۴، ج ۱: ۱۷۲). مالک نیز در قتل عمد کفاره را واجب نمی‌داند، اما در قتل عمدی که قاتل به سبب وجود مانع شرعی یا عفو اولیای دم قصاص نمی‌شود، آن را مستحب دانسته است (عوده، ۱۹۹۴، ج ۱: ۱۷۳). فقهای امامیه با استناد به نصوص معتبره متفق‌اند بر اینکه اولاً در قتل عمدی کفاره واجب است؛ ثانیاً کفاره قتل عمدی کفاره جمع است که عبارت است از: آزاد کردن بنده، روزه دو ماه پیاپی و اطعام شصت مسکین (یوسفی، ۱۳۸۹: ۵۳). ناگفته نماند که کفاره و دیه کافر مقتولی که با مسلمانان قرارداد بسته‌اند، بر مسلمان قاتل واجب است (اسماعیل زاده، ۱۳۷۵: ۴۰۸). از این رو به سبب احترام به پیمان و در ذمه بودن کفار، قاتل باید خون‌بهای وی را به بازماندگانش بپردازد و برده مؤمنی را آزاد کند. شارع مقدس علاوه بر دیه، پرداخت کفاره را در قتل شبه‌عمدی نیز بر عهده قاتل لازم دانسته است. در این نوع قتل چون نوعی خطا به‌شمار می‌رود، عامه و خاصه بر وجوب کفاره متفق‌القول‌اند و کفاره قتل شبه‌عمد را همانند کفاره خطایی دانسته‌اند (یوسفی، ۱۳۸۹: ۵۵). فقهای امامیه می‌گویند در قتل خطا و شبه‌عمد کفاره واجب است و آن را مانند کفاره ظهار مرتبه می‌دانند (موسوی، ۱۳۶۹: ۱۱). قانونگذار در خصوص قتل خطای محض<sup>۱</sup>، مجازات قتل خطای محض را فقط پرداخت دیه به اولیای دم بیان کرده است. این در حالی است که قاتل قتل خطای محض علاوه بر دیه، برابر آیه ۹۲ سوره نساء باید کفاره عمل خویش را نیز بپردازد. در قتل خطابه دلالت آیه شریفه فوق، عامه و خاصه به اتفاق کفاره را واجب می‌دانند.

#### 1. Unintentional Homicide.

مالکیه، حنفیه، شافعیه و حنابله در قول صحیح‌ترشان معتقدند چون خون مؤمن محترم است، در کفاره قتل خطایی مؤمن نمی‌توان اطعام کرد، چون کفاره قتل مؤمن اغلب از مواردی است که قیمت آن بیش از طعام است. به‌علاوه در مورد اطعام نص صریح وارد نشده و خداوند در آیه ذکر شده هر واجبی را با حرف (فا) بیان کرده و از اطعام بحثی نشده است. شافعیه و حنابله در روایت دیگرشان عقیده دارند هنگام ناتوانی از روزه همچون کفاره ظهار لازم است اطعام مساکین کرد (موسوی، ۱۳۶۹: ۷-۶). کفاره قتل خطا و شبه‌عمد، کفاره مرتبه است و عبارت از آزاد کردن برده و اگر مقدور نباشد، روزه دو ماه پیاپی و اگر آن هم مقدور نباشد، اطعام شصت مسکین است. بین فقهای امامیه اختلافی نیست؛ فقط سلار و ابن زهره آن را مخیر دانسته‌اند (موسوی، ۱۳۶۹: ۱۱). سخن شیخ مفید هم موهم این است که او نیز قائل به تخییر بوده است. بر این نظریه آنها این اشکال وارد است که کتاب و سنت ترتیب را افاده می‌کند و اطعام نیز که در آیه شریفه نیامده، در روایات و فتاوای فقها در صورت عجز از آزادسازی برده، روزه ثابت شده است (نجفی، ۱۴۳۰ق، ج ۴۳: ۴۰۷). اما فقهای عامه کفاره قتل را مطلقاً مرتبه می‌دانند (عوده، ۱۹۹۴، ج ۱: ۱۷۴). از جمله دلایلی که برای کفاره قتل غیرعمد بیان شده است، یک نوع تخفیفی از ناحیه خداوند برای بندگان مؤمن است: «توبه من الله»؛ یعنی خداوند برای بنده‌ای که به اشتباه شخصی را به قتل رسانده، کفاره را وضع کرده که این کفاره، توبه و عنایت خداوند به بندگان باشد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۰). صرف‌نظر از اختلاف نظر فقهای اسلامی درباره کیفیت کفاره قتل، دلیل وجوب ادای کفاره قتل، آیه ۹۲ سوره نساء است که ادای کفاره را بر قاتلی که مرتکب قتل خطا شده، واجب کرده است. «فلذا وجبت الکفارة فی القتل الخطأ، فوجوبها بالقتل العمد و شبه العمد أولى». پس شایسته است شامل قاتل قتل عمد و شبه‌عمد هم بشود، زیرا کفاره برای جبران گناه است و قاتل قتل‌های عمد و شبه‌عمد به آن سزاوارترند.

۴,۲. روزه خواری<sup>۱</sup>: اگر شخص مکلف علناً در ماه رمضان اقدام به روزه‌خواری کند،

1. Refusal to Fast.

عمل وی مطابق با ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ جرم محسوب می‌شود و قابل مجازات است. برابر آموزه‌های شرعی افطار عمدی روزه ماه رمضان بدون عذر موجه شرعی از موجبات کفاره مخیره نیز است و بر افطارکننده واجب است یکی از این سه عمل را انجام دهد: یا یک بنده را آزاد کند یا دو ماه پی‌درپی روزه بگیرد یا شصت فقیر را اطعام کند. در پرداخت کفاره شرط علنی بودن وجود ندارد، یعنی شخص مکلف اگر مرتکب این عمل حرام شود، چه علنی و چه غیرعلنی، کفاره بر او واجب می‌شود. حال اگر این افطار عمومی با یک عمل حرام انجام گیرد، مثلاً شخص مکلف با انجام جرائمی مانند نوشیدن شراب و ... روزه خود را باطل کند، کفاره جمع نیز بر او واجب می‌شود که باید خود شخص مبادرت به انجام آن ورزد (جبعی عاملی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۶۲). فلسفه جعل کفاره روزه برای افراد ناتوان «الذین یطیقونه» یعنی بیماران مزمن و اشخاصی که به سن پیری رسیده و یا عطش فوق‌العاده دارند، تنها برای ادای تکلیف و جایگزین حکم اولی بیان شده است (نجفی، ۱۴۳۰ق، ج ۳۳: ۱۶۸-۱۶۷) که در برابر هر روز، باید یک مد طعام (تقریباً ۷۵۰ گرم) بدهند (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۱۱۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۶۲۵). دلیل کفاره روزه‌خواری در ماه رمضان بدون عذر، روایاتی است که علت این حکم را بیان کرده‌اند. از جمله این روایت‌ها، روایتی است که امام رضا(ع) در مورد علت این حکم شرعی فرمودند: دو ماه پی‌درپی کفاره روزه واجب شده است، زیرا روزه ماه رمضان یک ماه بوده و خداوند کفاره آن را دو برابر کرده است، به‌خاطر تأکید و تغلیظ و آن را پی‌درپی قرار داده است تا انجام دادن آن آسان نباشد و آن را سبک نشمارند، زیرا اگر انسان به‌طور متفرق قضا کند، کار قضا برای او آسان می‌شود و ایمان را سبک می‌شمارد (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰: ۳۷۰). بنابراین کفاره روزه مشکل قرار داده شده است تا شخصی حکم خدا را سبک نشمارد و نسبت به آن سهل‌انگاری نکند، به همین سبب کفاره روزه را هر شخصی، خودش باید به عهده بگیرد و کسی نمی‌تواند برای افراد دیگر نایب شود، مگر اینکه شخصی از دنیا رفته باشد. در واقع، این کفاره سنگین حکم بازدارنده و منبع کنترل بیرونی دارد که شخص آماده قانون‌شکنی را از زیر پا گذاردن قانون منصرف می‌کند.



۴.۳. تزویج زن شوهردار<sup>۱</sup> یا معتده: ازدواج مرد با زن معتده حرام و گناه است و هر کدام از دو طرف عقد نکاح عالماً مبادرت به این عقد کند، مجرم هستند و مطابق با ماده ۶۴۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ در صورتی که واقعه صورت نگیرد، به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال یا از ۳ یا ۱۲ میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند. در صورت وقوع واقعه عمل مرتکبان از شمول این ماده خارج شده و مشمول حکم عام زنا می‌شود. چنین عملی علاوه بر اینکه جرم و قابل مجازات است، برابر احکام شرعی از موجبات پرداخت کفاره نیز محسوب می‌شود. دلیل این قول روایت ابی بصیر از امام صادق (ع) است که فرمود: کسی که با زن معتده ازدواج کند باید از او جدا شود و ۵ صاع آرد کفاره بدهد. وجه تمایز مجازات قانونی حبس و جزای نقدی با کفاره در این است که اولاً مجازات ماده ۶۴۴ به هر دو طرف عقد نکاح، هم زن و هم مرد قابل اعمال است؛ ثانیاً این مجازات در صورتی که طرفین عقد نکاح اعمال می‌شود که عالم به موضوع باشند، یعنی مطلع باشند که زن معتده یا شوهردار است؛ ثالثاً واقعه بین آنها صورت نگرفته باشد، چراکه در صورت وقوع نزدیکی عمل آنها زنا محسوب می‌شود. اما برای وجوب کفاره هیچ‌یک از شروط فوق لازم نیست. در مورد عده نیز فرقی بین عده طلاق رجعی یا بائن و یا عده وفات نیست و هم‌نین در مورد زن شوهردار فرقی ندارد که با شوهرش هم‌بستر شده یا نشده باشد (جبعی عاملی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۶۵). دلایل متعدد نقلی و عقلی دلالت می‌کند که ازدواج با زن شوهردار و در عده اعم از دائم یا موقت مجاز نیست (رهبر، ۱۳۸۸: ۴۳) و در فرض عالم بودن طرفین، رفتار آنها نه تنها جرم و قابل مجازات است، برابر احکام شرعی از موجبات پرداخت کفاره نیز محسوب می‌شود. از حیث حکم وضعی نیز چنین نکاحی چه طرفین عقد نکاح عالم باشند و چه نباشند، چه آمیزش شده باشد و چه نشده باشد، این نکاح باطل است و اگر آمیزش شود و فرزندی به دنیا آید، این فرزند به زوج دوم ملحق می‌شود، در صورتی که «سته اشهر» شده باشد «أو مازاد» و اگر کمتر از شش ماه باشد، به زوج اول برمی‌گردد.

1. Married.

۲. من تروج امراه فی عدتها فارقتها و كفر بخمسه اصوع دقيقا.

۴.۴. **شهادت کذب**<sup>۱</sup>: سوگندی که شهود تحقیق و مطلعان قبل از اظهار اطلاعات خود، مطابق قوانین در دادگاه یاد می‌کنند، نوعی سوگند منعقد است که شهود حق عدول از آن را ندارند. در صورت تخلف از این سوگند، اولاً مکلف است به دلیل عدول از سوگند منعقد خویش کفاره قسم را پرداخت کند. البته کفاره تنها زمانی بر شاهد واجب می‌شود که قبل از ادای شهادت، سوگند یاد کرده باشد. در صحیح حضرت عبدالعظیم امام(ع) برای کبیره بودن شهادت دروغ به آیه ۷۲ از سوره فرقان استشهاد می‌کند که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ» و بندگان برگزیده خدا شهادت دروغ نمی‌دهند. ثانیاً شهادت دروغ مطابق ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ جرم محسوب می‌شود و قابل مجازات است. کیفر مقرر به نحو مطلق آمده و تأثیری در اینکه شهادت در تصمیم دادگاه مؤثر باشد یا نباشد، ندارد. به سخن دیگر، شهادت دروغ جرمی مطلق است و صرف ادای شهادت دروغ جرم است. از این رو کفاره نیز به صرف شهادت دروغ پس از ادای سوگند فارغ از نتیجه آن بر شاهد حالف واجب می‌شود. نکته مهم هم این است که در بدو امر شاید به نظر برسد حالف چنین سوگندی مطابق ماده ۶۴۹ این قانون مجازات می‌شود. اما حقیقت این است که وی را نمی‌توان به کیفر سوگند دروغ در ماده فوق مجازات کرد، زیرا از ماده ۶۴۹ استنباط می‌شود که ظهور عبارت مقنن بر ادای سوگند به عنوان ادله اثبات جرم دلالت دارد. پس سوگندی که برای بیان حقیقت ایراد می‌شود، نمی‌تواند مشمول این ماده باشد. از این رو فقط ماده ۶۵۰ بر حالفی که به دروغ شهادت داده است، قابل اعمال است.

۴.۵. **زنا در حال احرام**: مضاف بر اینکه نزدیکی اگر از راه حرام باشد مثلاً همسر وی در حال عده است یا نزدیکی از راه زنا، کفاره دارد (طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۶۴)، مواقع حتی بین زن و شوهر در حال احرام حرام و مستوجب کفاره است. حال اگر مردی با زن بیگانه که بر او ذاتاً حرام است در حال احرام نزدیکی کند، علاوه بر آنکه هر دو مستحق مجازات زنا هستند، باید به عنوان کفاره یک شتر ۵ ساله قربانی کنند. اگر زن مجبور شده باشد

1. Perjury.

چیزی به عهده‌اش نیست و در این صورت مرد باید یک کفاره برای خودش و یک کفاره دیگر برای زن بپردازد، یعنی مکلف به قربانی کردن دو شتر ۵ ساله است (جبعی عاملی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۱۹). فقهای امامیه معتقدند که هر کس برای حج یا عمره محرم شد، چه زن باشد چه مرد، وکیل باشد یا نایب، نه تزویج می‌شود و نه تزویج می‌کند و اگر ازدواجی واقع شود، باطل خواهد بود (ساردویی نسب و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۳). حکم به فساد و بطلان عقد در حال احرام، بر مبنای حدیث رسول اکرم (ص) است که می‌فرماید: «لَا يَنْكِحُ الْمُحْرَمَ وَلَا يَنْكِحُ وَلَا يَخْطُبُ» و اگر با علم به تحریم عقد صورت گیرد، حرمت ابدی حاصل می‌شود (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ج ۳: ۱۳۵). حال اگر مردی با زن بیگانه که بر او ذاتاً حرام است در حال احرام نزدیکی کند، افزون‌بر آنکه هر دو مستحق کیفر زنا هستند، باید کفاره هم بدهند. حکمت تشریح این کفاره، تثبیت و تقویت تقوا در انسان است: «وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ». تمامیت و کمال حج، دستیابی به معرفت خدا، درک فیض‌ها و جایگاه بیت‌الله الحرام و آگاهی به حساسیت و اهمیت مناسک حج از دیگر حکمت‌های حرمت آمیزش در حال احرام هستند.

### ۵. امکان‌سنجی کیفرانگاری کفاره در حقوق ایران

با اینکه با پرداخت کفاره، انسان خطاکار از تعقیب و تنبیه مصونیت می‌یابد و رسیدگی به وضع محرومان و رفع نیاز از گرفتاران و دادرسی به مظلومان آنقدر مهم و نیکوست که کفاره گناهان بزرگ به‌شمار می‌رود، «مِنْ كَفَّارَاتِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ إِعَانَةُ الْمَلْهُوفِ وَالتَّنْفِيسُ عَنِ الْمَكْرُوبِ» (محدثی، ۱۳۹۶: حکمت ۲۳). لیکن در خصوص تعیین کفاره به‌عنوان کیفر توسط حاکم اسلامی در قبال جرائم مستوجب کفاره و ذکر آن در قانون مجازات اسلامی به‌مثابه یکی از کیفرهای شرعی اتفاق نظر وجود ندارد.

۵.۱. دیدگاه موافقان و ادله ابرازی آنها: حکومت اسلامی فقط عهده‌دار امور عمرانی و امنیت داخلی و مرزداری نیست، بلکه وظیفه دارد مردم را به نماز و روزه و پرداخت زکات و سایر عبادات که از جمله آنها کفاره است، سوق دهد و لازم است حاکم اسلامی به این

جهات اهتمام داشته باشد. دغدغه اصلی در استنباط احکام شرعی باید کارآمدی، پاسخگویی به نیازهای جامعه و رفع مشکلات جامعه باشد. در رویکرد حکومتی به فقه نمی‌توان نسبت به کارآمدی احکام استنباط‌شده بی‌تفاوت بود، چراکه فرض این است که فقه قانون معاد و معاش نیز است (ضیائی‌فر، ۱۳۹۰: ۲۵). امام خمینی (ره) هم دغدغه کارآمدی احکام شرعی استنباط‌شده را مطرح و در نامه‌ای خطاب به شورای نگهبان بیان می‌کند: «شما در عین اینکه باید تمام توان خود را بگذارید خلاف شرعی صورت نگیرد، باید تمام سعی خودتان را بنمائید که خدای ناکرده اسلام در پیچ‌وخم‌های اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی، متهم به عدم قدرت اداره جهان نگردد» (خمینی موسوی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۲۱۸). بر پایهٔ بیش‌حکومتی مرحوم امام به فقه، مالیات‌هایی که اسلام مقرر کرده و بودجه‌ای که ریخته است، نشان می‌دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات فقیر نیست، بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است (خمینی موسوی، ۱۳۷۸: ۲۲). کما اینکه پیامبر اکرم (ص) در مدینه و با تشکیل حکومت اسلامی، منابع مالی آن را از طریق خمس، زکات، انفاق و کفاره اعمال منهی عنه به صورت یک حکم فقهی تأمین می‌کردند (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۷). در مورد کفارات هم حاکم اسلامی می‌تواند با تشکیل نهادهایی مانند مؤسسات خیریه و کمیتهٔ امداد به شناسایی افراد نیازمند و بی‌بضاعت پردازد و با دریافت مبلغ کفاره به نیابت و وکالت از طرف شخصی که کفاره بر او واجب شده، آنچه را که در پرداخت کفاره بر مکلف واجب شده است، تهیه کند و در اختیار افراد مستحق قرار دهد. چون ادای کفارات مالی وکالت بردار است، از این‌رو برای حاکم شرع یا وکیل او جایز است که مکلف قیمت کفاره را به آنها بدهد تا حاکم آن را در هر طریقی که صلاح می‌داند، مصرف کند. تا جایی که حتی برخی فقهای عظام فرموده‌اند که تسلیم کفاره به مجتهد مستحب است. شاید وجه استحباب این باشد که حاکم اسلامی بهتر از هر شخص دیگری به مصالح مسلمین آگاه است با دادن وکالت به حاکم شرع در به مصرف رساندن کفاره به‌طور قطع ذمه‌اش از کفاره بری می‌شود (سعادت‌فر، ۱۳۹۰: ۱۷۷). در مواردی که کفاره به دلیل ارتکاب جرم واجب شده است و آن جرم مجازات حبس را در پی دارد،

پرداخت کفاره به نمایندگان و مؤسسات زیر نظر حاکم اسلامی در عین حالی که ذمه فرد را از تکلیف بری می‌کند، می‌تواند از موارد حذف یا تخفیف مجازات و به‌عنوان مجازات جایگزین به حساب آید. برخی از فواید کفارات جایگزین مجازات عبارت‌اند از: انسانی‌تر و عادلانه‌تر و کارآمدتر بودن نسبت به حبس، امکان بازگشت آسان مجرم به زندگی عادی و اجتماعی خود و جلوگیری از هدر رفتن نیروی کار مجرمان و قرار دادن آن در خدمت توسعه اجتماعی و ... . با توجه به اینکه در پرداخت کفاره وجود قصد قربت لازم است و پرداخت آن به نماینده حاکم از سوی مکلف نباید تنها به قصد تخفیف و حذف مجازات باشد، ممکن است اشکال شود، در این گونه موارد قصد قربت حاصل نمی‌شود و چون کفاره از جمله عبادات است، بدون وجود قصد قربت ذمه مکلف بری نمی‌شود. در پاسخ می‌گویند شارع مقدس در این گونه موارد حکم به ظاهر نموده و اصل را بر این قرار داده است که مکلف با نیت صحیح و خالص اقدام به ادای کفاره کرده است (سعادت‌فر، ۱۳۹۰: ۱۷۹). از متون ایرانیان باستان هم چنین برمی‌آید که با گذشت زمان و به تدریج طی سال‌ها، امر نیابت در برخی امور شرعی گسترش پیدا کرد و بنابر دلایل گوناگون به افراد اجازه داده شد به جای دیگری، مراسم اقرار به گناه و توبه را به‌جا بیاورند و کفاره گناه را که به اظهار ندامت و پشیمانی صرف محدود شده بود، به نیابت از طرف فرد خطاکار به عهده بگیرند. در این میان حتی بازماندگان شخص متوفی هم اجازه یافتند برای رستگاری روح درگذشتگان خود طلب مغفرت کرده و در نتیجه کفاره مقرر را نیز تأدیه کنند (فکری ارشاد، ۱۳۸۲: ۶-۷). بدین سان با پذیرش نیابت در این مسئله، اگر مکلف در پرداخت کفاره اهمال کند، به‌گونه‌ای که موجب این فریضه الهی شود، حاکم اسلامی می‌تواند از باب امر به معروف و نهی از منکر مکلف را مجبور به انجام خصال کفاره کند، چون انجام امر به معروف و نهی از منکر از وظایف حاکم اسلامی است که ممکن است این اجبار را حتی بتوان از باب امور حسبیه توجیه کرد. حاکم شرع می‌تواند کفارات را بگیرد و آنها را در مصالح فقیران مصرف کند، چون کفارات و اخذ و مصرف آنها در موارد خرد از امور حسبیه‌ای است که بر آن ولایت دارد. مصرف کفارات در مصالح فقیران از سوی حاکم شرع، به کفارات شأنیت حسبی

بخشیده است. از این‌روست که حاکم شرع موظف است به اقامه آن قیام کند (ملک افضلی اردکانی، ۱۳۹۸: ۸۳-۸۱). از دید برخی نویسندگان اقتصاد اسلامی هم خصوصیت کفارات مالی این است که هم دارای آثار اخلاقی و تربیتی است و از ارتکاب دوباره گناه و جرم پیشگیری می‌کند و هم توزیع ثروت و درآمد را به صورت غیرمستقیم بهبود می‌بخشد، زیرا رابطه ایمان و تقوا و عدالت در توزیع، مثبت است. هرچه افراد جامعه از ایمان و تقوای بالاتری برخوردار باشند، نه تنها حقوق افراد کمتر تضییع می‌شود، بلکه انفاق‌های واجب و مستحب بیشتر و بهتر انجام پذیرفته، در نتیجه، توزیع عادلانه‌تر صورت می‌پذیرد (رجائی، ۱۳۸۶: ۲۷۵). با استناد به قاعده نفی تداول ثروت و اصل همگانی بودن ثروت که با هدف تحقق عدالت اقتصادی، منابع طبیعی و انفال در اختیار حکومت اسلامی قرار داده شده است، افراد را می‌توان ملزم ساخت تا بخشی از درآمد مشروع خود را به صورت مالیات، خمس، زکات و کفاره تحت عنوان حقوق واجب مالی برای مصالح نظام و از بین بردن فقر بپردازند (فتح‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۳). جعل کفارات فرصتی برای جبران پاداش ازدست‌رفته بندگان نافرمان بوده و به مثابه امتحاناتی هستند که مدرسه برای دانش‌آموزان مردود در برخی درس‌ها، قرار می‌دهد تا با بهره جستن از فرصت تازه‌ای، نمره لازم را کسب کنند و به کلاس بالاتر راه یابند. در کفارات ضمن توجه به جبران فرصت معنوی ازدست‌رفته برای بزهکاران، خیری هم به دیگر افراد جامعه که نیازمند مهربانی هستند و اغلب در غوغای زندگی فراموش می‌شوند، می‌رسد. کفارات ابزار حکومت اسلامی برای رسیدگی اجباری به وضعیت مردمی است که بی‌عدالتی‌ها و بی‌رحمی‌ها، آنان را از حداقل‌های زندگی شرافتمندانه محروم نگاه داشته است. به هر حال با ارتکاب جرائم مستوجب کفاره (سبب)، کفاره به عنوان مسبب ایجاد می‌شود و هر گاه شک شود که آیا با اجرای مجازات‌های مقرر برای این جرائم، مسبب یعنی کفاره هم منتفی می‌شود یا خیر، باید آن را استصحاب کرد، چون اصل بر عدم مسقط و اسقاط است. از سوی دیگر، کفاره از حقوق الله است که به اموال تعلق گرفته و واجب شده است و از این‌رو حتی با مرگ بزهکار هم ساقط نمی‌شود.

۵،۲. دیدگاه مخالفان و ادله ابرازی آنها: چون لطمات فردی و اجتماعی ناشی از جرم به صورت ریالی قابل محاسبه نیست، نه تنها احکام جزای مالی، مجرمان دارای انگیزه مالی را متنبه نمی‌کند و برای دولت درآمدزایی ندارد، بلکه زمینه افزایش جمعیت زندان‌ها و ازدیاد هزینه‌ها و مشکلات ناشی از آن را نیز برای جامعه فراهم می‌سازد. در صورتی که انحصار کفارات، به کفاره مالی، ضمن تحقیر فقرا، پرداخت‌کننده کفاره نیز در موارد زیادی به مضیقه می‌افتد و نمی‌تواند به تکلیف شرعی خود به موقع و به سهولت عمل کند. برخی فقها معتقدند اگر کفاره به صورت پول به فقیر داده شود، باید به مصرف نان یا طعامی برسد که معادل یک مد آن یک نفر را سیر کند، اما اگر به صورت گندم، آرد و مانند آن به فقیر بدهند، فقیر می‌تواند آن را بفروشد و در سایر احتیاجات خود مصرف کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۶۲۵). تأکید روایات اسلامی در کفاره بر اطعام به فقرا و اینکه به یک فقیر بیش از یک مد داده نشود، بدین سبب است که به جهت کثرت فقرا و نیاز شدید در درجه اول به خوراک و پوشاک است و از این رو با وجود احتیاج شدید به طعام، دیگر نیازها فرصت طرح پیدا نمی‌کنند (صفایی، ۱۳۹۶: ۱۴). از سوی دیگر، ارزشیابی توان پرداخت کفارات مالی در گروه‌های سنی مختلف مشکلات و از این رو تعیین کفاره مالی به عنوان مجازات به جای اینکه طریقی در جهت اصلاح و تربیت مجرم باشد، در مورد محکومانی که توان پرداخت آن را ندارند، ملزم به تحمل حبسی خواهند شد که قانونگذار بنا داشته آن را لغو کند و مجازات مالی را جایگزین آن شمارد و این امر خلاف نظر مقنن است. از سوی دیگر، به سبب تنوع در شخصیت، شرایط و موقعیت‌های مختلف فردی و اجتماعی افراد، نتایج و آثار حاصل از احکام مجازات‌های مالی بر اشخاص و گروه‌های مختلف یکسان نخواهد بود و موضوع حکم مجازات‌های مالی وجه نقد و پرداخت آن است. چون پرداخت وجه مورد حکم و یا عدم پرداخت آن تأثیر زیادی در ماهیت اجرایی دارد، از این رو موضوع مهم‌تر از پرداخت جرائم مالی، شرایط تهیه آن است که محکومان را با مشکلات عدیده مواجه ساخته و گاهی اسباب جرم جدید را فراهم می‌سازد و با این وضعیت مجازات‌های مالی به جای اینکه عامل مهمی در جهت پیشگیری از جرم باشد، خود انگیزه و سبب تکرار

جرم خواهد شد (مراد رودخانگی، ۱۳۸۹: ۲۶۴). از سوی دیگر، محاکم خود را ملزم به بررسی وضعیت اقتصادی و مالی محکوم نمی‌دانند و بر فرض اینکه با کمک و مساعدت دیگران فرد محکوم به مجازات مالی که توانایی پرداختی جریمه مالی را نداشته، از ورود این قبیل محکومان به زندان جلوگیری شود، در عمل محکوم با وجود ارتکاب جرم از تحمل کیفر معاف می‌شود. به علاوه مهم‌ترین عیب کیفرهای نقدی، دشواری وصول آن است که چون نوبت به تهی‌دستان می‌رسد، به دلیل عجز از پرداخت آن به گفته سزار بکاریا<sup>۱</sup> مجازات را در اجرا از وصف حتمیت و قطعیت تهی می‌سازد (اردبیلی، ۱۳۹۴، ج ۳: ۱۶۵). با وجود نزول آیات متعدد که بر وجوب کفاره در برخی جرائم و گناهان تأکید کرده‌اند و نیز با وجود روایات اسلامی بسیاری که وجوب کفاره، خصال و احکام آن و چگونگی اجرای آن را تبیین کرده‌اند، در سیره ائمه معصومین (ع) هرگز مشاهده نشده که مسلمانان را ملزم به پرداخت کفاره جرائم و گناهان خویش کرده و برای عدم انجام آن مجازاتی در نظر گرفته باشند. سیره معصومین (ع) در اجرای این خو کیفری صرفاً به صورت توصیه و سفارش بر ادای آن بوده و هیچ‌گاه کفاره مانند مجازات‌های حدود، قصاص و ... با قهر و غلبه مورد حکم نبوده است. از این رو با تمسک به اصل براءت و ظاهر خطابات در کفارات، تکلیفی بودن کفارات استنتاج می‌شود، بنابراین قابل انطباق با حکم وضعی آن یعنی ضمان در اموال نیست. از سوی دیگر، کفارات کیفری عبادی است که به سبب شرطیت قصد قربت به خود بزهکار تعلق دارد و لذا با فوت وی این کیفر هم منتفی می‌شود.

### ۵.۳. تعیین کفاره در قالب مجازات تکمیلی<sup>۲</sup> (نظریه منتخب): دلایل جعل کفاره

براساس آموزه‌های قرآنی و روایی، جریمه برخی گناهکاران و بزهکاران و همچنین از جمله راه‌های حل معضل فقر و رفع احتیاجات نیازمندان جامعه اسلامی است؛ یعنی ضمن اینکه موجب جبران کاستی در تکلیف مکلف است، سبب رفع نیازمندی نیازمندان نیز است. از آنجا که با اولویت‌ترین و مهم‌ترین نیاز فقرا و مستمندان جامعه، نیاز به خوراک،

1. Be Ccaria (Bonesanadi).

2. Supplementary Punishment.



پوشاک و یا آزادی انسان از اسارت و بردگی است، از این رو آموزه‌های اسلامی در بحث کفارات بدانها اشاره کرده است. اطعام طعام ذکر شده در روایات اسلامی به گندم، جو، نان و آرد اختصاص ندارد، بلکه شامل همه اغذیه و انواع خوردنی‌ها می‌شود و مصادیق مذکور در روایات از باب ذکر مصادیقی از مفهوم عام و مطلق طعام هستند و علت آن، شاید این باشد که روایات غذاهای غالب در عصر صدور روایات را به عنوان قوت غالب گفته است و از این رو دلیلی برای انحصار اطعام طعام در موارد مذکور نیست؛ همان‌طور که در علم اصول به اثبات رسیده است، مورد منحصص نیست و به‌طور قطع هر غذای دیگر را در عصر حاضر و اعصار آتی نیز شامل خواهد بود. حتی شامل طعام معنوی از جمله تحصیل علم و ایمان و مقدمات آنها نیز می‌شود و از همه مهم‌تر اینکه تمسک به عرف زمان و مکان، حفظ حرمت مؤمن<sup>۱</sup>، قاعده اضطرار<sup>۲</sup>، اصل برائت، قیاس اولویت<sup>۳</sup>، جهانی بودن اسلام<sup>۴</sup> و سهولت و سماحت آموزه‌های اسلامی<sup>۵</sup> اقتضا می‌کند که قیمت کفاره را در همه

۱. کان الامام علی بن موسی الرضا (ع) اذا اكل اتي بصحفة فتوضع بقرب مائده فيعمد الي اطيب مما يوتي به فيأخذ من كل شي شيئاً فيضع في تلك الصحفة ثم يأمر بها للمساكين (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۵۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۱۴).  
۲. الضروریات تبيح المحضورات.

۳. امام صادق (ع) می‌فرماید: «پنج چیز است که اگر کسی فاقد یکی از آنها باشد، پیوسته زندگی او با کمبود روبه‌روست و اندیشه و روانش آشفته است، یکی از آن پنج چیز وسعت در زندگی است» (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۳۱) و در خصوص پوشش مناسب هر زمان می‌فرماید: «فخیر لباس کل زمان، لباس اهله؛ بهترین لباس هر زمان، لباس مردم آن زمانه است» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۱۱).

۴. ابوبصیر می‌گوید از امام صادق (ع) در خصوص تنگ‌نظری بعضی از اصحاب در پرداخت زکات سؤال کردم و گفتم فردی از عیسی بن اعین زکات درخواست کرد و او گفت: نزد من زکات هست و لکن به تو نمی‌دهم. او گفت: چرا؟ عیسی پاسخ داد گمان می‌کنم آن را در خرید «گوشت و خرما» هزینه می‌کنی (منظورش این بود که فقط باید در تهیه نان هزینه شود). امام صادق (ع) پس از تفکری فرمود: «خداوند در اموال اغنیا و فقراء نظری افکند و به اندازه کفاف فقرا در اموال اغنیا قرار داد که اگر کفایت نمی‌کرد بر آن می‌افزود». سپس با اشاره به عیسی که زکات در اموالش بود فرمود: «آری بر همین اساس باید به مقداری به فقیر بدهد که بتواند با آن بخورد و بیاشامد و بپوشد و ازدواج کند و صدقه بدهد و حج بجا آورد» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۵۵۶).

۵. اسلام دین سهله و سمحه است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «بعثنی بالحنيفية السهلة السمحة» (مجلسی، ۱۳۹۶، ج ۲۰: ۵۴۸).

نیازمندی‌های فقرا بتوان به مصرف رساند (صفایی، ۱۳۹۶: ۹-۱۲). ازاین‌رو با توجه به حکمت‌های نهفته در کفارات از جمله بازدارندگی، فرصت تمرین دوباره برای قبولی و سود رساندن به مردم نیازمند، جا دارد در سیاست جنایی ایران با استفاده از ابزار کفاره به گسترش مصادیق مجازات‌های تکمیلی اقدام شود. ابزارهایی که در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده، بعضاً از صبغه کیفری کمتری برخوردارند و به‌خوبی اهداف مجازات‌های تکمیلی را دنبال می‌کنند، ازاین‌رو جا دارد در بازنگری قانون، کفاره هم در این دسته جا داده شود. ممنوعیت‌ها و الزامات مندرج در ماده ۲۳ هرچند ذیل عنوان مجازات آمده، لیکن دارای ویژگی‌های اقدامات تأمینی بوده و با توجه به چگونگی اجرای آنها که در ماده ۲۴ به بعد آمده است، باید این اقدام‌ها را در اصل اقدام‌های پیش‌گیرنده برای پیشگیری از تکرار جرم دانست. چون اجرای مجازات‌های تکمیلی در اختیار قاضی است تا وی با توجه به شناخت مجرم و متناسب با شخصیت وی، مجازات تکمیلی را در خصوص او اعمال کند. نظر به اینکه در مقررات جاری از جمله بندهای «ج» و «چ» ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ موافقت و التزام متهم به‌منظور اعمال قرارهای تأمین و نظارت قضایی دارای بار مالی پیش‌بینی شده است، ازاین‌رو در بحث کیفرانگاری کفاره هم می‌توان با رضایت محکوم‌علیه آن را اعمال کرد و به این ترتیب خاصیت داوطلبانه بودن از نظر عبادی و عدم الزام به آن محفوظ می‌ماند و به قاضی هم اجازه می‌دهد تا با توجه به روحیات و سوابق و انگیزه بزهکار در ارتکاب جرم، تصمیم خود را هرچه بهتر با وضع فعلی او متناسب سازد و به سیاست فردی کردن مجازات جامه عمل بپوشاند. ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، افزون‌بر تخفیف به دادگاه اجازه داده است تا با احراز کیفیات مخففه، مجازات تعزیری را به مجازات از نوع دیگری تبدیل کند که «مناسب‌تر» به حال محکوم‌علیه باشد. ازاین‌رو ماده مذکور یکی از ابزارهای مهم سیاست فردی کردن مجازات‌هاست (اردبیلی، ۱۳۹۴، ج ۳: ۱۵۵). بدین ترتیب با اصلاح قوانین می‌توان این موارد را به ادای داوطلبانه کفاره نیز تسری داد. افزون‌بر سیاست حمایتی شرع از بزه‌دیده، در جرائم مستوجب کفاره مالی، مؤلفه‌هایی مانند حمایت و صیانت از منافع و مصالح عمومی

و اجتماعی، تأمین عدالت و رفع فقر، گرسنگی و برهنگی از اهمیت بسزایی برخوردار است. بر این اساس هم اصولاً کفارات قبل از اینکه عبادت محض و تکلیف شخصی باشند، گاهی عقوبت بوده و از حقوق الله یا حقوق عمومی تلقی می‌شوند؛ پس با اجرای مجازات‌های مقرر قانونی یا فوت بزهکار قابل اسقاط نیستند. با فرض عدم حجیت<sup>۱</sup> روایت عبدالله بن سنان<sup>۲</sup> (حر عاملی، ۱۶: ۴۱۶، ج ۲۲: ۳۹۹-۳۹۸)، برخی فقیهان معاصر هم ثبوت کفاره را اوجه القولین دانسته و مقرر کرده‌اند که در جرم قتل مستوجب کفاره، باید کفاره از مال قاتل پرداخت شود (فاضل لنکرانی، ۱۸: ۴۴۳). احتساب کفارات مالی به‌ویژه کفاراتی که جنبه عقوبتی دارند، به‌عنوان یکی از منابع مالی دولت اسلامی نیز توجیه‌کننده این نظریه است. از این رو اهتمام دولت اسلامی به قانونمند کردن و اخذ این کفارات می‌تواند بخشی از فقر و گرسنگی را از چهره جامعه بزدايد.

## ۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

کفاره نوعی خودکفیری است که در عین داشتن ماهیت جزایی به‌دلیل وجوب قصد قربت در آن، نوعی عبادت به‌شمار می‌رود که کفاره‌دهنده را به پروردگارش نزدیک می‌کند. البته در برخی موارد جنبه جزایی کفاره بر جنبه عبادی آن غلبه دارد و در برخی برعکس. برخی اعمال مستوجب کفاره توسط قانونگذار جرم شناخته شده و برای آنها کیفر تعیین شده است، اما برخی دیگر یا صرفاً گناه هستند یا شکل برخی اعمال سهوی یا عبادات فوت‌شده به‌دلیل عجزند که هیچ‌یک از آنها جرم نیستند و مجازات رسمی ندارند. واژه «تحریر رقبه» در مورد آزادسازی بردگان به‌عنوان یکی از کفارات می‌تواند این استنباط را تقویت کند که موضوع

۱. تضعیف محمد بن سنان توسط رجالیون مقدم موجب تضعیف سند این روایت شده است (ایزدی فرد و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۲-۱۳۳).

۲. قال الصادق فی خبر عبدالله بن سنان: «کفارة الدم إذا قتل الرجل مؤمناً متعمداً فعليه أن يمكّن نفسه من أوليائه فإن قتلوه فقد أدى ما عليه إذا كان نادماً على ما كان منه عازماً على ترك العود، وإن عفى عنه فعليه أن يعتق رقبةً و يصوم شهرين متتابعين و يطعم ستين مسكيناً و أن يندم على ما كان منه و يعزم على ترك العود و يستغفر الله تعالى أبداً ما بقي» (حر عاملی، ۱۶: ۴۱۶، ج ۲۲: ۳۹۹-۳۹۸).

این‌گونه آیات منسوخ نشده و در جامعه امروزی نیز جاری است. از این‌رو با اینکه کفاره منشأ قرآنی و روایی در اسلام دارد، امروزه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، بنابراین به‌منظور حصول آثار مثبت اجرای کفاره که جنبه عمومی و اجتماعی دارد و گرسنگان و برهنگان از آن بهره می‌برند و در واقع نفع کفارات به اجتماع مسلمانان بازمی‌گردد، پیشنهاد می‌شود:

۱. با برنامه‌های آموزشی و فرهنگی به‌منظور همگانی شدن اجرای آن تلاش کرد تا هم ایرادهای پرداخت اجباری کفاره مرتفع شود و هم با برنامه‌ریزی درست و منسجم، اهداف تربیتی و بازدارندگی آن محقق شود و شاهد نوعی تغییر نگرش در جامعه به سمت حصول اهداف اجتماعی آن باشیم.

۲. با همکاری سازمان‌های ذی‌ربط، ستادی به‌منظور دریافت کفارات مالی تشکیل شود که وظایف ذیل را به عهده بگیرد:

الف) تشویق افراد با روش‌های مختلف فرهنگی و آموزشی و حتی توصیه قضات به مرتکبان جرائم مستوجب کفاره به پرداخت کفاره جرائم خویش، پرداخت کفاره فراگیر شده و با رواج انجام تکالیف دینی در بین مردم از گره خوردن فکر آنها با گناه و بزهکاری جلوگیری شود؛

ب) شناسایی افراد بی‌بضاعت و فقیر مسلمان که مستحق دریافت کفاره هستند تا با این روش مشکل یافتن افراد فقیر متعدد برای کفاره‌دهندگان مرتفع شود؛

ج) دریافت کفارات مالی از مجرمان و گنهکاران متمکن و سازماندهی آن در جهت ایجاد منبع درآمد منسجم و مداوم برای دولت اسلامی؛

د) اعطای این کفارات مالی به افراد شناسایی شده و در نتیجه کمک به دولت به‌منظور رفع مشکلات اقتصادی افراد نیازمند.

۳. برای اجرایی شدن «تحریر رقبه» در عصر حاضر، با استفاده از معنای عام واژه «رقبه» به‌جای عبد و برده که موضوعاً منتفی است، زندانیان آزاد شوند. البته برای اجرایی شدن این امر مهم، مراجع ذی‌صلاح باید تدابیری بیندیشند تا مرتکبان جرائم مستوجب کفاره بتوانند

به‌عنوان كفاره مبالغی را در اختیار صندوق مستقلی قرار دهند یا با نظارت نهادی ویژه (ستاد كفارات یا مؤسسات خیریه) برای آزاد کردن زندانیان مدیون برنامه‌ریزی و اقدام لازم انجام گیرد. عملی شدن این پیشنهاد، علاوه بر آنکه موجب کاهش هزینه نگهداری زندانیان و بار مالی این امور که بر عهده دولت است می‌شود، رونق چرخه اقتصادی طلبکاران را نیز بر عهده خواهد داشت.

## کتابنامه

### \*قرآن کریم

۱. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. ابن براج، قاضی عبدالعزیز (۱۴۰۶ق). *المهذب*، ج ۱، چ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳. ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۴۱۷ق). *المغنی*، محقق عبدالفتاح محمد حلو و عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، ج ۱۰، ریاض: دار عالم الکتب.
۴. ابن اسحاق، ابراهیم (۱۴۰۵ق)، *غریب الحدیث*، ج ۱، چ اول، مکه مکرمه، جامعه أم القرى.
۵. اراکی، محمدعلی (۱۳۷۳). *مناسک حج*، تهران: اعتماد.
۶. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۰). *حقوق جزای عمومی*، ج ۲، چ سوم، تهران: میزان.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). *حقوق جزای عمومی*، ج ۳، چ نهم، تهران: میزان.
۸. اسماعیل‌زاده، حسین (۱۳۷۵). «روابط حقوقی مسلمانان با کفار (۲)»، *فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*، دوره ۲، ش ۶-۵، ص ۴۱۷-۴۰۸.
۹. ایزدی‌فرد، علی‌اکبر؛ حسینی‌نژاد، سید مجتبی؛ حسینی، زینب‌السادات (۱۳۹۶). «وثاقت محمدبن سنان در ترازوی نقد و بررسی»، *فصلنامه علوم حدیث*، دوره ۲، ش ۸۴، ص ۱۵۸-۱۲۸.
۱۰. ایمانی، عباس (۱۳۸۲). *فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری*، چ اول، تهران: آریا.
۱۱. بحرانی، یوسف (۱۴۱۷ق). *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، ج ۱۵، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۲. بیگی، جمال؛ آشنا، حمید (۱۳۹۸). «جرم‌انگاری خشونت جنسی در روابط زناشویی با تکیه بر اسناد بین‌المللی حقوق بشری»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، دوره ۱۶، ش ۲، ص ۱۴۲-۱۱۵.

۱۳. جبعی عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۳۸۱). *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*، ج ۱، چ اول، قم: مؤسسه گنج عرفان.
۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱). *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*، ج ۳، چ اول، قم: مؤسسه گنج عرفان.
۱۵. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۶ق). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، ج ۲، ۱۴ و ۲۲، قم: آل‌البت لایحیاء التراث.
۱۶. حلبی، ابوالصلاح (۱۴۰۷ق). *الکافی فی الفقه*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۷. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۸ق). *مختلف الشیعه*، ج ۴، چ دوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۲ق). *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، ج ۱، چ اول، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
۱۹. رجائی، سید کاظم؛ با همکاری گروه اقتصاد (۱۳۸۶). *معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن*، چ دوم، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۰. رهبر، مهدی (۱۳۸۸). «ممنوعیت ازدواج با زن شوهردار و در عده»، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، سال دوازدهم، ش ۴۵، ص ۷۸-۴۳.
۲۱. ساردویی نسب، محمد؛ نعیمی، طاهره سادات؛ خادمی، مریم (۱۳۹۴). «واکای تطبیقی حرمت‌های ابدی ازدواج در فقه امامیه و زیدیه با رویکرد حقوقی»، *دوفصلنامه فقه مقارن*، دوره ۳، ش ۵، ص ۱۰۸-۸۱.
۲۲. سعادت‌فر، حسین (۱۳۹۰). *کفاره در فقه امامیه و نقش حکومت اسلامی در نظام‌مند کردن آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز: دانشکده الهیات دانشگاه تربیت معلم.
۲۳. سلیمی، هادی؛ شکرانی، رضا؛ فریور، محسن (۱۳۹۸). «بررسی نهادینه‌سازی اطعام مسکین در بستر تاریخی نزول قرآن کریم»، *فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ش ۴۳، ص ۱۱۶-۸۷.

۲۴. سمرقندی، ابوليث (۱۴۱۶ق). *تفسير السمرقندی*، محقق عمر عمروی، ج ۳، بیروت: دارالفکر.
۲۵. صفایی، میکائیل (۱۳۹۶). بازخوانی مفهوم و مصداق اطعام طعام در کفاره، *اولین کنفرانس پژوهش در فقه، حقوق و علوم اسلامی*، تهران: شرکت توسعه دانش فرزندانگان، ۳ شهریورماه.
۲۶. ضیائی فر، سعید (۱۳۹۰). «رویکرد حکومتی در فقه»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال چهاردهم، ش ۵۳، ص ۳۱-۷.
۲۷. طباطبایی، سید محمدکاظم (۱۴۱۲ق). *العروه الوثقی*، ج ۲، چ دوم، قم: اسماعیلیان.
۲۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۸). *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۶ و ۱۹ چ شش، قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق). *تفسیر جوامع الجامع*، مصصح ابوالقاسم گرجی، ج ۱، قم: حوزه علمیه قم.
۳۰. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*، ج ۱۰، چ اول، بیروت: دار المعرفه.
۳۱. طوسی، ابی جعفر محمدبن الحسن (شیخ طوسی) (۱۴۲۸ق). *المبسوط*، ج ۱ و ۵، چ اول، قم: مؤسسه النشر اسلامی.
۳۲. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۰ق). *الخلاص*، ج ۳ و ۵، چ دوم، قم: مؤسسه النشر اسلامی.
۳۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۰ق). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*، المجلد الأول، الطبعة الثانية، بیروت: دارالکتاب العربی.
۳۴. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق). *التبیان فی تفسیر القرآن*، ج ۴، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۵. عمید، حسن (۱۳۸۲). *فرهنگ فارسی عمید*، ج ۲، چ بیست و هشتم، تهران: امیرکبیر.



۳۶. عوده، عبدالقادر (۱۹۹۴م). *التشريع الجنائي*، ج ۱، چ دوم، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۳۷. فاضل لنکرانی، محمد فاضل موحدی (۱۴۱۸ق). *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله-الذیات*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار(ع).
۳۸. فتح‌اللهی، زهره؛ آیتی، سیدمحمدرضا؛ قنبری جهرمی، محمدجعفر؛ جعفری هرنندی، محمد (۱۳۹۸). «تداول ثروت در دست اغنیا، نقض حقوق شهروندی»، *فصلنامه اخلاق زیستی*، ویژه‌نامه حقوق بشر و شهروندی، دوره ۹، ش ۳۸، ص ۷۴-۵۸.
۳۹. فکری ارشاد، جهانگیر (۱۳۸۲). «توبه در ایران باستان»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، دوره ۴۶، ش ۱۸۹، ص ۱۶-۱.
۴۰. فیض، علیرضا (۱۳۷۳). *مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۱. قطب راوندی، سعیدبن هبه‌الله (۱۴۰۵ق). *فقه القرآن*، مصحح احمد حسینی اشکوری، ج ۱، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.
۴۲. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۸۷). *تفسیرالقمی*، ج ۱ و ۲، تصحیح و تعلیق سید طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب.
۴۳. کاسانی، ابوبکر بن مسعود (۱۴۰۹ق). *بدایع الصنائع فی ترتیب الشرائع*، ج ۷، چ اول، پاکستان: مکتبه الحبیبه.
۴۴. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۹۳). *مجموعه احادیث برگزیده اصول کافی*، ج ۷، ترجمه داود روحانی معین، چ ۶، قم: نشر طاووس بهشت.
۴۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). *اصول کافی*، ترجمه صادق حسن‌زاده، ج ۱، ۳ و ۴، چ سوم، تهران: مؤسسه قائم آل محمد.
۴۶. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۶۵). *گزارش کنفرانس اجرای حقوق کیفری اسلامی و اثر آن در مبارزه با جرائم*، مقالات حقوقی، چ اول، تهران: اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۴۷. مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۱). *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، ج ۲۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۸. ————— (۱۳۹۶). *بحار الانوار*، ج ۲۰، چ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۹. مراد رودخانگی، حسن (۱۳۸۹). *جرم‌شناسی احکام جزای تقدی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام نور مرکز تهران.
۵۰. مرکز تحقیقات حج (۱۳۹۱). *ادعیه و زیارات مدینه منوره و مکه مکرمه*، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری مشعر.
۵۱. مفتاح، احمدرضا؛ ربانی، محسن (۱۳۹۳). «مقایسه مفهوم فدیة در مسیحیت و شفاعت از نظر شیعه»، *فصلنامه الهیات تطبیقی*، سال پنجم، ش ۱۲، ص ۱۶۰-۱۴۳.
۵۲. مقاتل بن سلیمان، ابوالحسن (۱۴۲۴ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، الجزء ۱، الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). *تفسیر نمونه*. ج ۱ ف ۲ و ۲۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۴. ————— (۱۳۸۵). *دایره‌المعارف فقه مقارن*، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع).
۵۵. مطیعی، محمد نجیب (۱۴۳۰ق). *المجموع شرح المذهب للشیرازی مذهب؛ شرح فتح العزیز شرح الوجیز تلخیص الحبیر فی شرح الرافعی الکبیر*، ج ۱۹، قاهره: مکتبه التوفیقیه.
۵۶. ملک افضل اردکانی، محسن (۱۳۹۸). «رویکرد فقه حکومتی به کفارہ قتل عمد و حکم استیفای آن از سوی دولت اسلامی پس از قصاص یا فوت قاتل»، *فصلنامه فقه*، سال بیست‌وششم، ش ۲، ص ۷۳-۹۴.
۵۷. موسوی خمینی، روح‌اله (امام) (۱۳۷۹). *تحریر الوسیله*، ج ۱ و ۲، چ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام خمینی.
۵۸. ————— (۱۳۷۸). *ولایت فقیه*، چ نهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

۵۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س)*؛ (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، ج ۲۱، چ پنجم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۶۰. محدثی، جواد (۱۳۹۶). *حکمت‌های علوی: ترجمه و توضیح چهل حدیث از امام علی (ع)*، چ ششم، مشهد: آستان قدس رضوی، به‌نشر.
۶۱. موسوی خویی، ابوالقاسم (خویی) (۱۳۹۶). *مبانی تکمله المنهاج*، ج ۲، چ دوم، قم: المطبعة العلمیه.
۶۲. موسوی، سید محمد (۱۳۶۹). *کفاره قتل، تعزیرات و گناهان کبیره در مذاهب اربعه و امامیه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۶۳. نجفی، محمدحسن (صاحب جواهر) (۱۴۳۰ق). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۲۰، ۳۳، ۳۵ و ۴۳، چ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۴. یوسفی، فاطمه (۱۳۸۹). *بررسی نقش و کارکردهای کفاره در سیاست کیفری اسلام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه قم.

## References

The Holy Quran

1. Amid, Hasan (2003). *Farhang Persian Amid, Vol.2, Edition 28*, Tehran: Amirkabir Publishing. (in Persian)
2. Araki, Mohamad ali (1994). *Manasek Hajj*, Tehran: Etemad Publishing. (in Persian)
3. Ardabili, Mohamad ali (2001). *General criminal law, Vol. 2, Edition 3*, Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
4. Ardabili, Mohamad ali (2015). *General criminal law, Vol. 3, Edition 9*, Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
5. Bahrani, Yosef (1997). *Fresh gardens in the provisions of the pure Ara*, Leather 15, Qom: An Islamic publishing organization. (in Arabic)
6. Beigi, Jamal & Ashna, Hamid (2019). "Criminalization of sexual violence in marital relationships based on international human rights instruments",

- Quarterly Journal of International Studies, Vol. 16, No. 2, pp. 142-115. (in Persian)
7. Faiz, Alireza (1994). Comparison and Application in Islamic Public Criminal Law, Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. (in Persian)
  8. Fatolahi, Zohreh; Ayati, Seyed Mohammed Reza; Ghanbari Jahromi, Mohammed Jafar and Jafari Harandi, Mohemmed (2019). The circulation of wealth in the hands of the rich, the violation of citizenship rights, Bioethics Quarterly, Special Issue on Human Rights and Citizenship, Vol. 9, No.38, pp. 74-58. (in Persian)
  9. Fazeil Lankarani, Mohammad Fazel Movahedi (1998). The details of Sharia in the explanation of the writing of the means-religion, Qom: The jurisprudential center of the Imams. (in Arabic)
  10. Fekri Ershad, Jahangir (2003). Repentance in ancient Iran. Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Tabriz, Vol. 46, No. 189, pp. 1-16. (in Persian)
  11. Gorji, Abolgasem (1986). Report of the Conference on the Implementation of Islamic Criminal Law and its effect in the fight against crime, Legal Articles, 1st Edition, Tehran: General Department of Publications and Propaganda of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. (in Persian)
  12. Hajj Research Center (2012). *Prayers and pilgrimages to Medina and Mecca*, Tehran: Moshar Cultural and Artistic Institute. (in Persian)
  13. Halabi, Abolsalah (1987). *Sufficient in jurisprudence*, Qom: Islamic Publishing Institute. (in Arabic)
  14. Heli, Hasan ben Yosef (1992). *The end of the matter in the research of religion*, Vol.1, Edition 1, Mashhad: Islamic Research Complex. (in Arabic)
  15. Heli, Hasan ben Yosef (1998). *Various Shiites*, Vol. 4, Edition 2, Qom: Islamic Publishing Institute. (in Arabic)
  16. Hor Ameli, Mohamad ben Hasan (1996). *Details of Shiite means to study Sharia issues*, Vol. 2, 14 & 22, Qom: Al-Bayt for the revival of heritage. (in Arabic)
  17. Ibn Braj, Gazi Abdol Aziz (1986). *almahzab*, Vol. 1, Edition 1, Qom: Islamic Publishing Institute. (in Arabic)
  18. Ibn Idris Heli, Mohammed Ibn Mansor (1990). *Al-Sarai Al-Hawi to write the fatwas*, Edition 2, Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
  19. Ibn Ishaq, Ibrahim (1985), *Gharib AlHadith*, Vol 1, Edition 1, Mecca, Umm Al-Qura University. (in Arabic)
  20. Ibn Qadameh, Abdullah bin Ahmad (1997). *almaghni*, Researcher Abdul Fattah Muhammad Halo and Abdullah bin Abdul Mohsen Turki, Vol. 10, Riyadh: Dar Alam al-Kitab. (in Arabic)
  21. Imani, Abbas (2003). *Dictionary of Criminal Law Terms*, Edition 1, Tehran: Aria Publishing. (in Persian)

22. Ismailzadeh, Hosein (1996). "Legal relations of Muslims with infidels (2)". Quarterly Journal of Quranic Research, Vol. 2, Issue 5-6, pp. 417-408. (in Persian)
23. Izadi Fard, Ali Akbar ; Hosseini Nejad, Seyed Mojtaba and Hosseini, Zeynab Sadat (2017). "The trustworthiness of Muhammad ibn Sinan in the scales of criticism." Quarterly Journal of Hadith Sciences, Vol. 22, Issue 84, pp. 158-128. (in Persian)
24. Jabai Ameli, Zeynodin Ibn Ali (Shahid sani) (2002). Al-Rawdah Al-Bahia in explaining the Damascene shine, Vol. 1 & 3, Edition 1, Qom: Erfan Treasure Institute. (in Arabic)
25. Kasani, Abobakrin Masoud (1989). Industrial goods in the order of Sharia. Vol. 7, Edition 1, Pakistan: Al-Habibiya School. (in Arabic)
26. Klini, Mohammed Ibn Yaqub (2014). A collection of selected hadiths of sufficient principles, Vol. 7, translated by Davood Rouhani Moein, 6th edition, Qom: Tavous Behesht Publishing. (in Persian)
27. \_\_\_\_\_ (2007). Sufficient principles. Translated by Sadegh Hassanzadeh, Vol. 1 , 3 & 4, Edition 3, Tehran: Ghaem Al-Mohammad Institute. (in Persian)
28. Magatel Ibn Sulayman, Abol Hassan (2003). Interpretation of the opponent of Ibn Sulayman, Part 1, first edition, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. (in Arabic)
29. Majlisi, Mohemmed Bager (2012). See the minds in the explanation of the news of the Messenger, Vol. 24, Tehran: Islamic Books House. (in Arabic)
30. Majlisi, Mohemmed Bager (2017). *Bahar Anvar*, Vol. 20, Edition 4, Tehran: Islamic Library. (in Arabic)
31. Makarem Shirazi, Naser (2001). Sample Interpretation, Vol. 1, Tehran: Islamic Library. (in Arabic)
32. Makarem Shirazi, Naser (Under supervision) (2006). Encyclopedia of contemporary jurisprudence, Qom: School of Imam Ali Ibn Abi Talib (AS). (in Arabic)
33. Malek Afzali Ardakani, Mohsen (2019). "The approach of government jurisprudence to the atonement of premeditated murder and the ruling of its resignation by the Islamic State after retribution or the death of the killer", Jurisprudence Quarterly, Vol. 26, No. 2, pp. 94-73. (in Persian)
34. Mofteh, Ahmad Reza and Rabbani, Mohsen (2014). "Comparison of the concept of redemption in Christianity and intercession from the Shiite point of view". Quarterly Journal of Comparative Theology, Vol.5, No. 12, pp. 160-143. (in Persian)
35. Mohaddesi, Javad (2017). Alawite Wisdom: Translation and explanation of forty hadiths by Imam Ali (AS), Edition 6, Mashhad: Astan Quds Razavi, published. (in Persian)
36. Motiee, Mohammed. Najib (2009). Complete explanation of the polite for

- the polite Shirazi; Sharh Fath Al-Azin Sharh Al-Wajiz Summary of Al-Habir Vol. 19, Cairo: Tawfiqiya School. (in Arabic)
37. Mousavi Khoei, Abolgasem (Khoei) (2017). Fundamentals of completing the curriculum, Vol. 2, Edition 2, Qom: Scientific Press. (in Arabic)
  38. Mousavi Khomeini, Rohollah. (Imam) (1999). Faqih, Edition 9, Tehran: Imam Khomeini Publishing House. (in Persian)
  39. \_\_\_\_\_ (2000). Tahrir Alvasileh, Vol. 1 & 2, Edition 1, Tehran: Imam Khomeini Publishing House. (in Persian)
  40. \_\_\_\_\_ (2010). Sahifa Imam: Collection of works of Imam Khomeini (PBUH); (Statements, messages, interviews, rulings, religious permissions and letters), Vol. 21, Edition 5, Tehran: Imam Khomeini Publishing House. (in Persian)
  41. Mousavi, Seyed Mohemmed (1990). Atonement for murder, punishments and major sins in the four religions and the Imams, Master Thesis in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad. (in Persian)
  42. Murad Roodkhang, Hassan (2010). Criminology of fines. Master Thesis, Tehran: Payame Noor University, Central Tehran. (in Persian)
  43. Najafi, Mohammed Hassan (owner of the jewel) (2009). The jewel of the word in the explanation of the laws of Islam, Vol. 20, 33, 35 & 43, Edition 7, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi. (in Arabic)
  44. Odeh, Abdul Qadir (1994). Criminal legislation, Vol.1, Edition 2, Beirut: Al-Risalah Institute. (in Arabic)
  45. Qomi, Ali Ibn Ibrahim (2008). Tafsir Algami, Vol. 1 & 2, correction and suspension of Seyyed Tayeb Mousavi Jazayeri, Qom: Dar al-Kitab. (in Arabic)
  46. Qutb Ravandi, Saeed Ibn Heba Allah (1985). Fiqh of the Quran. Edited by Ahmad Hosseini Eshkevari, Vol. 1, Fam: Public Library of Grand Ayatollah Marashi Najafi. (in Arabic)
  47. Rahbar, Mehdi (2009). Prohibition of marriage with a married woman and in some. Journal of Women's Strategic Studies, Vol.12, No.45, pp. 78-43. (in Persian)
  48. Raja'i, Seyed Kazem; In collaboration with the Economics Group (2007). Thematic Dictionary of Economic Verses of the Quran, Edition 2, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (in Persian)
  49. Saadatfar, Hossein (2011). Atonement in Imami jurisprudence and the role of the Islamic government in organizing it, Master Thesis, Tabriz: Faculty of Theology, Tarbiat Moallem University. (in Persian)
  50. Safaei, Mikaeil (2017). Re-reading the concept and example of feeding food in atonement, The first research conference in jurisprudence, law and Islamic sciences, Tehran: Farzanegan Knowledge Development Company, 3 September. (in Persian)

51. Salimi, Hadi; Shokrani, Reza and Farivar, Mohsen (2019). "Investigating the institutionalization of feeding the poor in the historical context of the revelation of the Holy Quran", Quarterly Journal of Quranic and Hadith Sciences, No. 43, pp. 116-87. (in Persian)
52. Samargandi, Aboleys (1996). Tafsir alsamargandi, Mohaghegh Omar Amravi, Vol. 3, Beirut: Dar al-Fikr. (in Arabic)
53. Sardoui Nasab, Mohammed; Naimi, Tahereh. Sadat and Khademi, Maryam (2015). "Comparative analysis of the eternal sanctities of marriage in Imami and Zaydi jurisprudence with a legal approach", Two Quarterly Journal of Contemporary Jurisprudence, Vol.3, No. 5, pp. 108-81. (in Persian)
54. Tabari, Mohammed. Ibn. Jarir (1992). Comprehensive statement in the interpretation of the Qur'an (Tafsir al-Tabari), Vol.10, Edition 1, Beirut: Dar Al-Maarefa. (in Arabic)
55. Tabarsi, Fazl. ben. Hassan (1992). Interpretation of comprehensive communities, Edited by Abolghasem Gorji, Vol. 1, Qom: Qom Seminary. (in Arabic)
56. Tabatabai, Mohammad Hassan (1999). Balance in the interpretation of the Qur'an, Translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamdani, Vol. 6, 19 Edition 6, Qom: Allameh Tabatabai Scientific and Cultural Foundation. (in Persian)
57. Tabatabai, Seyed Mohammed Kazem (1992). The original trust, Vol. 2, Edition 2, Qom: Ismailian. (in Arabic)
58. Tusi, Abi Jafar Mohammed Ibn Hassan (Shaykh al-Tusi) (1980). The end in the single jurisprudence and fatwas, Vol.1, second edition, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. (in Arabic)
59. \_\_\_\_\_ (1993). Altebian in Tafsir Goran. Vol. 4, Qom: Islamic Publishing Institute. (in Arabic)
60. \_\_\_\_\_ (1999). Alkhelaf, Vol.3 & 5, Edition 2, Qom: Islamic Publishing Institute. (in Arabic)
61. \_\_\_\_\_ (2007). *Almabsot*. Vol. 1 & 5, Edition 1, Qom: Islamic Publishing Institute. (in Arabic)
62. Yousefi, Fatemeh (2010). Investigating the role and functions of atonement in Islamic penal policy, Master Thesis, Qom: Qom University. (in Persian)
63. Ziaefar, Saeed (2011). "Governmental approach in jurisprudence", Political Science Quarterly, Vol. 14, No. 53, pp. 31-7. (in Persian)